

مکتب

رشد

ویژه کارکنان



ویژه نامه دفتر مراقبت در برابر آسیب های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش دوره چهارم / شماره ۱۵ / پاییز ۱۳۹۳
ضمیمه رشد آموزش علوم اجتماعی

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمد دشتی

شورای برنامه ریزی (ترتیب حروف الفبا):

دکتر علی اصغر احمدی، محمد مهدی اسماعیلی، سید کمال شهابلو،

دکتر ابوالقاسم عیسی مراد، دکتر حسن ضیاء الدینی،

دکتر نادر منصور کیایی، محسن موحد، ناصر نادری، عارف وهاب زاده

کمیته کارشناسی (ترتیب حروف الفبا): فریده حسینی اصفهانی،

صغری پارسا، گوهر شاد پور بافرانی، پروین جعفری، ناصر رجبی، علویه

مریم رحیمی، زهرا شعبان نژاد، دکتر یگانه عزیز

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: نوید اندرودی

پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

نشانی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۵۱۱۰ (۰۲۱)

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

۲/ پدر باشیم، مشکلات حل می شود! / محمد دشتی

۴/ فضای مجازی؛ انتخاب آگاهانه، آینده روشن / علی اکبر رضوانی دهاقانی

۸/ برپایی نهضت فرهنگی به منظور مقابله با رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی

۹/ گزارش: ترویج شیوه های زندگی سالم و پیشگیری از رفتارهای پرخطر

گفت و گو: پیشگیری از آسیب های اجتماعی، همت جمعی می خواهد / ابراهیم داودبیگی

۱۰/ آموزه های دینی و نقش آن در پیشگیری از اعتیاد / محمد سلمانی راوری

۱۵/ از هیولای اعتیاد تا تهدیدهای فضای مجازی / آرش فهیم

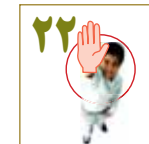
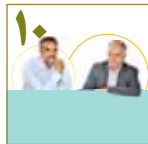
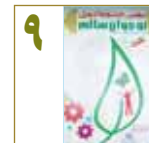
۱۸/ چگونه نه بگوییم؟ / اکبر قره داغی

۲۲/ با فرزندانمان باشیم تا دچار رفتار پرخطر نشوند! / کامران حسینی

۲۴/ سیگار و قلیان، آغازی برای یک راه پرخطر / مهین سیروسیان

۲۷/ راهکارهای تقویت نقش مدرسه و جامعه در پیشگیری از آسیب های اجتماعی

۳۰/ طالب ابراهیمی، عبدالله عادل / اد



پدر باشیم مشکلات حلمی شود!



نمی‌خواهیم بحث به تعارفات معمول بگذرد. می‌پرسم: «شما به‌عنوان مدیری که ۱۹ سال در یک مدرسه و آن هم در مدرسه‌ای که همه دانش‌آموزان آن در یک صفت (یعنی نداشتن پدر) مشترک هستند، با چه معضلاتی در حوزه آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو هستید؟»

می‌گوید: «ما امروز در وضعیت خوبی هستیم، اما معنای این حرف این نیست که هیچ مشکلی نداشته‌ایم و یا نداریم.»

واقف خیر این موقوفه، یعنی **عبدالله رضوی میرزای ناظر**، وصیت کرده است که از درآمدهای این موقوفه، بخشی صرف آموزش و پرورش بچه‌هایی شود که از داشتن نعمت پدر محروم هستند. اما این بچه‌ها پدرشان را به

نشان می‌دهد که به مقصد رسیده‌ایم. «**مجتمع آموزشی و پرورشی موقوفه عبدالله رضوی میرزای ناظر**».

ترک‌نژاد، مدیر مجتمع، به استقبال می‌آید و با رویی گشاده ما را برای بازدید از این مجتمع که در میان باغی مصفا واقع شده است، راهنمایی می‌کند.

با دیداری از بخش‌های مختلف مجتمع به دفتر کارش بازمی‌گردیم و در مورد همه‌چیز با هم حرف می‌زنیم. اما وقتی موضوع به بحث آسیب‌های اجتماعی می‌رسد، این مدیر باسابقه و مهربان ذوق‌زده می‌گوید: «من همه مجلات رشد پیشگیری نوین را خوانده‌ام! مجلات خوبی هستند و چه خوب که شما و همکارانتان به این موضوعات نگاه پیشگیرانه دارید. عنوان مجلات هم عنوان بامسمی و مناسبی است.»

مشهد مقدس در روزهای نزدیک به ولادت حضرت امام علی (ع) و یا در هر ایامی که به ائمه (ع) مربوط باشد، معمولاً روزهای شلوغ‌تری را سپری می‌کند. از زیارت مرقد هشتمین امام شیعیان، حضرت امام رضا (ع) بازگشته‌ایم و در یک روز تعطیل، فرصت و زمان زیادی برای رفتن به دیدار مدیری که ۱۹ سال مدرسه‌ای را مدیریت کرده است، نداریم. به‌خصوص که او پذیرفته است، در روز جشن و ایامی که مدرسه تعطیل است، پذیرای ما باشد.

فاصله حدود ۴۰ کیلومتری مشهد تا «روستای سوران» در نزدیکی «شان‌دیز» را در حالی طی می‌کنیم که تابلوهای رنگ و وارنگ نصب شده در کناره‌های جاده، تا همان مقصد رهایمان نمی‌کنند و نهایتاً هم یک تابلو

دلایل بسیار متفاوتی از دست داده‌اند. از جمله این دلایل، علاوه بر فوت عادی پدر، فوت پدر در اثر افتادن در دامان اعتیاد، اعدام به دلیل جرائم سنگین، زدوخوردهای خیابانی و محلی، خودکشی و مسائلی از این دست است که یک سر آن به آسیب‌های اجتماعی وصل می‌شود. یعنی ما با دانش‌آموزانی روبه‌رو هستیم که حداقل هنگام ورود به مدرسه، مسائل و مشکلات خاص خود را دارند و به شدت در معرض آسیب‌های اجتماعی هستند.»

می‌گویم: «ما شما در بازدیدی که انجام شد، خیلی اوضاع را آرام و نزدیک به ایده‌آل تصویر کردید! منظورتان چیست؟ چه اتفاقی در این مدرسه می‌افتد که چنین بچه‌هایی بعد از ورود به این مدرسه، به قول خودتان ادارهٔ مدرسه را در همهٔ جوانب برعهده می‌گیرند و هر کدام از آن‌ها با آموختن حداقل یک مهارت فارغ‌التحصیل می‌شوند؟»

ترک‌نژاد می‌خندد و می‌گوید: «حتماً انتظار ندارید که پاسخ سؤال شما را در یک جمله بگویم، اما من می‌گویم. من و همکارانم برای این بچه‌ها نقش پدر را بازی می‌کنیم؛ همین. البته نقش که نه! واقعاً پدر آن‌ها می‌شویم. پدر برای فرزندانش چه می‌کند؟ آیا اگر مدارس ما و معلمان و مدیران ما بتوانند به‌واقع، نقش پدر و مادر بچه‌ها را ایفا کنند، دیگر مشکلی باقی خواهد ماند؟»

و ادامه می‌دهد: «من و همکارانم و از جمله معاون مدرسه، محمدرضا خیراله‌ی طرقله که ایشان هم مانند من ۱۹ سال سابقهٔ خدمت دارد و در این مدت در مدرسه معاون بوده است، با خدای خودمان پیمان بسته‌ایم که برای یتیم‌هایی که در این مدرسه ثبت‌نام می‌کنند، پدر باشیم. ما با بچه‌ها بازی می‌کنیم، به حرف‌هایشان گوش می‌دهیم، و لحظات تنهایی آن‌ها را پر می‌کنیم. با آن‌ها رفیق می‌شویم، با هم

پدر بودن همیشه سختی های خاص خودش را دارد که نیازمند شناخت، آگاهی و عمل به مسائلی است که همه آنها در نقش معلمی هم تعریف شده‌اند و باید با دقت مورد توجه قرار گیرند تا ما بتوانیم برای فرزندانمان پدر خوب و برای دانش آموزان معلم خوبی باشیم

به کوه و صحرا می‌رویم و با هم درس می‌خوانیم. الحمدالله درآمدهای موقوفه هم با نیت خیر واقف به میزانی هست که بتوانیم هزینه‌های بچه‌ها را تأمین کنیم. اگر هم مشکلی باشد، با قناعت و صرفه‌جویی حل می‌شود. ما در همین جا و در باغ‌های موقوفه در تابستان‌ها از وجود بچه‌ها استفاده می‌کنیم و آن‌ها ضمن باغداری و برداشت میوه‌های باغ، درآمد مختصری هم کسب می‌کنند. ضمناً فرصتی پیدا می‌شود که بیشتر با هم زندگی کنیم.

البته باید اشاره کنم که این شیوه رفتار با دانش‌آموزان و بچه‌ها کار آسانی نیست. پدر بودن همیشه سختی‌های خاص خودش را دارد و نیازمند شناخت، آگاهی و عمل به مسائلی است که همهٔ آن‌ها در نقش معلمی هم تعریف شده‌اند. باید با دقت به این مسائل توجه داشته باشیم تا بتوانیم برای فرزندانمان پدر خوب و برای دانش‌آموزان معلم خوبی باشیم.

خلاصه اینکه اگر می‌خواهیم دانش‌آموزان آسیب کمتری ببینند، باید برای آنان پدر خوب و معلمان خوبی باشیم. همهٔ مسئله همین است. ما امروز در مورد یک مدرسهٔ خاص صحبت می‌کنیم، اما به نظر من این موضوع در همهٔ مدارس صدق می‌کند

و گمان می‌کنم اصلاً در مدارس عادی که معدل دانش‌آموزان آسیب‌دیده از ناحیهٔ بی‌سرپرستی کمتر است، انجام این کار آسان‌تر است. در مدارس عادی دانش‌آموزان معمولاً والدینی را در کنار خود دارند و ما می‌توانیم به یاری خانه و مدرسه و با تقسیم این نقش‌ها، توفیقات بیشتری در زندگی با بچه‌ها پیدا کنیم.» همان روز با مهران معین، یکی از دانش‌آموزان سابق مدرسه که حالا مسئولیت وبگاه و امور فناوری مدرسه را برعهده دارد، صحبت می‌کنیم. مهران می‌گوید: «من پدرم را در حادثه‌ای از دست دادم و یتیم شدم، اما خوش‌حالم که این مدرسه بود تا من و برادرم با تحصیل و زندگی در اینجا راه خودمان را پیدا کنیم، و باز هم خوش‌حالم که می‌توانم هفته‌ای چند روز به خانام برگردم و به بچه‌هایی که روزی خودم هم مثل آن‌ها بودم، خدمت کنم.»

او حرف‌های زیبایی دیگری هم زد، اما در پایان صحبت‌هایش گفت: «آقای دشتی، این حرف مرا به آقای ترک‌نژاد نگویند، اما از شما خواهش می‌کنم اگر ممکن است و دسترسی دارید، به مسئولان آموزش و پرورش بگویید نگذارند آقای ترک‌نژاد بازنشسته شود! شنیده‌ام همین سال‌ها بازنشسته خواهد شد و خیلی حیف است. این بچه‌ها به پدری مانند ایشان نیاز دارند. خواهش می‌کنم! برای این مدرسه کاری بکنید.» حرف‌هایمان که با مهران تمام می‌شود، به حرف‌های مدیر مهربان مدرسه می‌اندیشم! رمز موفقیت و مصون داشتن بچه‌ها از آسیب‌های اجتماعی این است که پدر بالای سرشان باشد؛ همین. احساس می‌کنم برای نوشتن یادداشت سردبیر هیچ حرف تازه‌ای ندارم. یادداشت این شماره از مجله را همان حرف‌های دل این مدیر دلسوز و موفق قرار می‌دهم: «پدر باشیم، مشکلات حل می‌شود!»



فضای مجازی؛ انتخاب آگاهانه، آینده روشن

گزارشی از همایش تربیت اسلامی، فضاهای مجازی؛ چالش‌ها و راهکارها

علی اکبر رضوانی دهاقانی

علما، مسئولان و صاحب‌نظران این حوزه در خصوص تربیت اسلامی و فضای مجازی، گزارشی کوتاه از این همایش تقدیم می‌شود.

دنیای مجازی، ظرفیت عظیمی که باید درست استفاده شود

آیت‌الله سیدهاشم حسینی بوشهری، مدیر حوزه‌های علمیه، در مراسم افتتاحیه این همایش گفت: «شرط تأثیرگذاری بیشتر طلاب و مربیان، عامل بودن به گفته‌ها و نکته‌هایی است که به دانش‌آموزان ارائه می‌دهند.»

ایشان با ذکر این مطلب که اینترنت و فضای مجازی، فضایی بدیع و هیجان‌انگیز است، اظهار داشت: «انواع و اقسام اطلاعات در موضوعات مختلف با مراجعه به فضای مجازی در اختیار ما قرار می‌گیرد. حجم عظیم امکانات فضای مجازی، و ظرفیتی که در اختیار کاربران قرار می‌دهد، افراد بسیاری را به سمت خود می‌کشد که لازم است در این عرصه توجه

هشتمین همایش سالانه دفتر همکاری‌های حوزه و وزارت آموزش و پرورش، با عنوان «تربیت اسلامی و فضای مجازی، چالش‌ها و راهکارها»، با هدف بررسی مسائل مرتبط با تربیت اسلامی و فضای مجازی، با حضور مدیر حوزه‌های علمیه، وزیر آموزش و پرورش، مدیر حوزه‌های علمیه خاوران، و معاون تشخیص و پیشگیری پلیس فتا، در روزهای ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت در «مجمع فرهنگی یاوران حضرت مهدی (عج)» جمکران برگزار شد.

همچنین ائمه جمعه مراکز استان‌ها، مدیران کل آموزش و پرورش استان‌ها، معاونان فرهنگی و پرورشی ادارات کل آموزش و پرورش، مدیران حوزه‌های علمیه خاوران و برادران، مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش، و صاحبان مقالات و صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه، دانشگاه و آموزش و پرورش از مدعوین این همایش بودند.

برای آشنایی مخاطبان محترم و به‌خصوص کارکنان تلاشگر مدارس کشور با سیاست‌های اجرایی و دیدگاه‌های

جدی و کاملی به این حوزه شود. باید از این فرصت‌های مهم برای ترویج مبانی دینی و الهی و مقابله با تهاجمات دشمن استفاده کنیم.»

آیت‌الله حسینی بوشهری با اشاره به ضرورت تعامل حوزه و آموزش‌وپرورش در استفاده از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدات فضای مجازی، تصریح کرد: «فلسفه همکاری حوزه

و آموزش‌وپرورش این است که آموزش‌وپرورش این ظرفیت عظیم را بسترسازی کند تا حوزه بتواند با حضور فعال در عرصه تولید محتوا، در جهت ارتقای فرهنگی جامعه اقدام کند.»

ایشان با تأکید بر اینکه به هیچ عنوان نباید از ظرفیت فضای مجازی غافل شویم، اظهار داشت:

«امروزه پهنای باند ما را غربی‌ها می‌دهند، ما باید به دنبال خروج از این وضعیت باشیم و این عرصه را خود در دست بگیریم. نباید گوگل، عاشورای ما را به نفع صهیونیست‌ها مصادره کند.»

حوزه در نظام تربیتی کشور نقش اساسی دارد

همچنین، دکتر علی‌اصغر فانی، وزیر آموزش‌وپرورش، با اشاره به نقش برجسته حوزه در نظام تربیتی کشور و ترویج فرهنگ دینی، خواستار تبدیل تهدید فضای مجازی به فرصت شد. ایشان در این همایش، با اشاره به نقش حوزه‌های علمیه در فعال کردن نظام تربیتی کشور، گفت: «تبدیل فضای مجازی به یک فرصت در عرصه تعلیم‌وتربیت ضروری است. همکاری حوزه و آموزش‌وپرورش نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و باید برای تحقق کامل این همکاری، راهکارهای عملی تبیین شود.»

حذف روحانیت از تصمیم‌گیری‌ها، حرکتی سکولاریستی است

حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌اکبر جمشیدی هم در دومین روز این همایش به تبیین ضرورت حضور روحانیون به‌عنوان کارشناسان دین در عرصه‌های تربیتی و تصمیم‌گیری‌های نظام پرداخت و تصریح کرد: «محدودیت حضور روحانیت در مراکز تصمیم‌گیری نظام، به حذف تدریجی و آرام اسلام از روابط جامعه می‌انجامد و این وضعیت

کم‌کم به سمت سکولاریسم پیش خواهد رفت.» مدیر حوزه‌های علمیه خاهران، با تأکید بر اینکه حوزه علمیه هیچگاه کاری به جریان‌های سیاسی نداشته است، یادآور شد: «حوزه علمیه متولی دینداری جامعه است. لذا باید ضرورت حضور کارشناسان و علمای دین را در جایگاه تصمیم‌گیری نظام اسلامی باور کنیم و این موضوع برای مردم و مسئولان به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود.»

وی با اشاره به حضور فعال طلاب خواهر در عرصه فضای مجازی گفت: «حضور بانوان طلبه در فضای مجازی بسیار مؤثر بوده است؛ به‌گونه‌ای که دو هزار و ۳۰۰ طلبه خواهر که به زودی تعدادشان به چهار هزار نفر خواهد رسید، از طریق پورتال جامع مرکز مدیریت حوزه‌های خاهران، در فضای مجازی به تبلیغ معارف اسلامی

حجم عظیم امکانات فضای مجازی و ظرفیتی که در اختیار کاربران قرار میدهد، افراد بسیاری را به سمت خود میکشد که لازم است در این عرصه توجه جدی و کاملی به این حوزه شود. باید از این فرصت‌های مهم برای ترویج مبانی دینی و الهی و مقابله با تهاجمات دشمن استفاده کنیم

می‌پردازند.»

حجت‌الاسلام و المسلمین جمشیدی افزود: «ما معتقدیم باید تفاوت جنسیتی در محتوای آموزش‌وپرورش وجود داشته باشد و در کنار این رویکرد جنسیتی، باید به رویکرد خانواده‌گرایانه نیز توجه شود.»

وی در پایان خاطرنشان کرد: «تعاملات حوزه و آموزش‌وپرورش باید قانونی باشد؛ به‌گونه‌ای که هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و هم به یک فرهنگ عمومی در آموزش‌وپرورش تبدیل شود.»

روحانیت فضای مجازی را ایمن کند

سرهنگ علی نیک‌نفس، معاون تشخیص و پیشگیری پلیس فتا نیز در روز دوم همایش «تربیت اسلامی، فضای مجازی، چالش‌ها و راهکارها»، به تبیین اهمیت فضای مجازی و نقش روحانیون و مدیران آموزش‌وپرورش در فرهنگ‌سازی حضور در فضای مجازی پرداخت. معاون تشخیص و پیشگیری پلیس فتا گفت: «در رابطه با جنگ نرم که همواره مقام معظم رهبری بر روی آن تأکید داشته‌اند، حوزه‌های علمیه و مبلغین نقش زیادی در خنثی‌سازی این توطئه دارند و می‌توانند با برقراری ارتباط با نسل جوان و آشنا کردن آنان با معارف دین، دشمنان را ناکام بگذارند.» وی یادآور شد: «تولید محتواهای الحادی به‌صورت سازمان‌یافته توسط معاندین خارج از کشور، و ترغیب به



فضای مجازی از نگاه اندیشمندان، مسئولان و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه

در این همایش برخی از صاحب‌نظران و مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش، حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به شرح زیر حضور داشتند.

- حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون وزارت آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مهندس مهدی نوید ادهم، معاون وزیر و دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش

● حجت‌الاسلام و المسلمین مجتبی ملک، دبیر علمی همایش

● حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مهدوی کنی، رئیس دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

● دکتر حمید رضا کفاش، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش

● مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش

● دکتر مجید قدمی، رئیس پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و دبیر علمی همایش

● دکتر مهدی محسنیان‌راد، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

● دکتر حسینعلی افخمی، عضو هیئت علمی گروه ارتباطات

آشوب و اغتشاش از دیگر اقدامات دشمن در فضای مجازی است.»

معاون تشخیص و پیشگیری پلیس فتا تصریح کرد: «آگاهی و دانش کافی در زمینه ایمنی فضای مجازی، شرط صیانت از خویشتن و دیگران در فضای مجازی است. روحانیون که کارشناسان دین هستند و همواره با مردم در ارتباط هستند، می‌توانند در این حوزه به خوبی فرهنگ‌سازی کنند.»

۵۳ میلیون ایرانی از اینترنت استفاده می‌کنند

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه و آموزش و پرورش از ارسال

۳۰۹ مقاله به همایش «تربیت اسلامی و فضای

مجازی» خبر داد و گفت: «امروز ضریب

نفوذ اینترنت در کشور به ۷۰ درصد

رسیده است.»

حجت‌الاسلام و المسلمین

مجتبی ملک در افتتاحیه این

همایش، با اشاره به آمار فوق

و فرصت‌ها و تهدیدهای فضای

مجازی، خاطرنشان کرد: «در

این همایش فرصت بسیار خوبی

برای ارزیابی و بررسی فرصت‌ها و

تهدیدها فراهم شده است و امیدواریم

که با همکاری حوزه و آموزش و پرورش، در

این خصوص در کمیته‌های علمی راهکارهای اجرایی

اندیشیده شوند.

**تبدیل فضای مجازی
به یک فرصت در عرصه
تعلیم و تربیت ضروری است
و همکاری حوزه و آموزش و پرورش
از اهمیت بسیار بالایی برخوردار
است و باید برای تحقق کامل این
همکاری، راهکارهای عملی
تبیین شود**

دانشگاه علامه طباطبایی

- دکتر خسرو باقری نوع پرست، عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران
- دکتر علیرضا رحیمی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی
- دکتر سیدمهدی سجادی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر محمدعلی شریعت‌مدار، قائم‌مقام دبیر کل اتحادیه رادیو - تلویزیون‌های کشورهای اسلامی
- دکتر حمید ضیائی‌پور، مدرس دانشگاه و پژوهشگر در حوزه فضاهای مجازی و فناوری اطلاعات
- دکتر مسعود کوثری، عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- این صاحب‌نظران و اندیشمندان ضمن یک سلسله مصاحبه نظر خود را در باب تربیت اسلامی و فضای مجازی بیان داشتند که به صورت مقالاتی در کتاب ویژه این همایش ارائه شده‌اند. برآیند نهایی این گفت‌وگوها از این قرار است:
- در خصوص موضوع نقش رسانه‌ها، اعم از صوتی، تصویری و مکتوب

بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی نیز، این تأثیر کمابیش مدنظر پاسخ‌گویان بود و جوانب مختلف این تأثیرات در پاسخ مطرح شدند. ضمن اینکه برخی صاحب‌نظران ترس مطلق یا خوش‌بینی مفرط را در این زمینه آسیب‌زا دانستند.

● پرسش بعدی از مصاحبه‌شوندگان، به بررسی میزان و نحوه کاربرد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان و در کل جامعه اختصاص داشت. در پاسخ پرسش متأسفانه مشخص شد که علاوه بر صاحب‌نظران و پژوهشگران این عرصه، دستگاه‌های سیاست‌گذار و مجری نیز، آمارهای کمی و کیفی دقیق و قابل استنادی درباره این موضوع مهم ندارند و تنها به وجود تعداد فراوان کاربران فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان و در کل جامعه اشاره می‌کنند. این در حالی است که لازمه برنامه‌ریزی‌های دقیق و بلندمدت، داشتن آمارهای دقیق و روشن است.

تأکید اکثر پاسخ‌گویان برای ارتقای سطح سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان، مربیان، خانواده‌ها و کل جامعه بود که در این صورت، با لحاظ کردن آموزه‌های اسلامی، کاربران در برابر آسیب‌های احتمالی چنین رسانه‌هایی مقاوم خواهند شد.

علاوه بر این، موضوعی که در دیدگاه‌های

سیاست‌گذاران و مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش مشهود بود، تأکید بر اجرایی شدن سیاست‌های مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود که در آن‌ها، موضوع تربیت فناورانه دانش‌آموزان مطرح شده است. بر این مبنای سواد رسانه‌ای نیز در حین یادگیری سایر درس‌های رسمی و هم‌زمان با آن‌ها، به دانش‌آموزان آموخته می‌شود و دانش‌آموز در محیط فناورانه، تجربه‌های رسانه‌ای خود را غنی خواهد کرد.

● در خصوص نقش حوزه‌های علمیه در زمینه تولید محتوا و بهره‌مندی صحیح دانش‌آموزان از رسانه‌های نوین و فضای مجازی نیز، بسیاری از پاسخ‌گویان این بحث را موضوعی بین‌بخشی دانستند و با تأکید بر نقش بی‌بدیل حوزه‌های علمیه، خواستار شناخت افزون‌تر مسائل زمان و فضای جامعه شدند؛ موضوعی که به درکی چندوجهی و تعامل جامعه و اندیشمندان دانشگاهی و حوزه‌های علمیه در زمینه امکانات فراوان رسانه‌ای نوین و فضای مجازی خواهد انجامید.

**در رابطه با جنگ نرم
که همواره مقام معظم رهبری
بر روی آن تأکید داشته‌اند، حوزه
های علمیه و مبلغین نقش زیادی در
خنثی‌سازی این توطئه دارند و میتوانند
با برقراری ارتباط با نسل جوان و
آشنا کردن آنان با معارف دین،
دشمنان را ناکام بگذارند**

- در تعلیم و تربیت اسلامی، شاید بتوان گفت که اکثر قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان، اعم از حوزویان، دانشگاهیان و مدیران اجرایی و سیاست‌گذار، بر نقش بی‌بدیل رسانه در فرایند تعلیم و تربیت اسلامی، به شکل خاص تأکید کردند. ضمن اینکه در «سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش نیز در کنار دو رکن مربی و دانش‌آموز، رسانه به‌عنوان رکن سوم مورد توجه جدی قرار گرفت.
- در مورد فرصت یا تهدید دانستن رسانه‌های نوین و فضای مجازی در فرایند تربیت اسلامی نیز، بسیاری از پاسخ‌گویان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را فرصتی مؤثر دانستند که اگر برای بهره‌مندی از آن‌ها برنامه‌ریزی‌های راهبردی و عملیاتی صورت نگیرد، به تهدیداتی و چالش‌هایی بالقوه تبدیل خواهند شد. علاوه بر این، جوانب مختلف فرصت یا تهدید بودن رسانه‌های نوین نیز در پاسخ به این پرسش مورد بحث و بررسی قرار گرفت.
- در خصوص تأثیرات فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات

برپایی نهضت فرهنگی به منظور مقابله با رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی

پیام وزیر محترم آموزش و پرورش به مناسبت
برگزاری اختتامیه بخش کشوری سومین
دوره جشنواره دانش آموزی نوجوان سالم



اشاره

به مناسبت برگزاری اختتامیه بخش کشوری سومین دوره جشنواره دانش آموزی نوجوان سالم دکتر علی اصغر فانی، وزیر محترم آموزش و پرورش پیامی خطاب به دانش آموزان صادر و از آنان خواستند؛ در فعالیتهای فرهنگی و آموزشی مدرسه نظیر این جشنواره، مشارکت فعال داشته باشید و با ترویج پیامهای آگاهی بخش به منظور پیشگیری، خودمراقبتی و سبک زندگی سالم، نقش سازنده و مؤثری در این نهضت فرهنگی به منظور مقابله با رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی ایفا نمایید. متن این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیزم، دانش آموزان گرامی

ایمنی، سلامت و مراقبت از خود در مواجهه با خطرات، از آموزه‌های دینی و وحیانی ماست. با تدبیر و تعمق در آیات نورانی قرآن کریم، سنت نبوی (ص) و سیره اهل بیت (ع) درمی‌یابیم که انسان در قبال سلامت خویش مسئول است و بایسته است از وجود خویش به شایستگی مراقبت کند.

سلامت که ابعاد متنوع جسمی، روانی و اجتماعی انسان را دربر می‌گیرد، می‌تواند هویت انسان را تعیین و تعریف نماید و به همین دلیل، زمینه‌ساز موفقیت افراد بویژه نوجوانان عزیز است که سبب ساز رشد، بالندگی و شکوفایی ظرفیت‌ها و شایستگی‌های فردی و در نهایت دستیابی به مراتبی از «حیات طیبه» می‌گردد. عزیزان من

اکنون، به‌صورت بالقوه مخاطرات پیچیده‌ی زیادی، ابعاد سلامت و هویت شما فرزندان عزیز ایران را تهدید می‌کند. از جمله این خطرات، گرایش به رفتارهای پرخطر است که بدلیل ناآگاهی و غفلت از خطرات آن یا با تصور تفریح و سرگرمی، می‌تواند سلامت

نوجوانان را به مخاطره بیندازد.

آنچه در این زمینه اهمیت ویژه دارد این است که «خودمراقبتی»، شناخت رفتارهای پرخطر و شیوه‌ی زندگی سالم می‌تواند موجب مصونیت انسان در برابر رفتارهای مخاطره آمیز باشد.

فرزندان عزیزم

جشنواره نوجوان سالم که با هدف ترویج شیوه‌های زندگی سالم و پیشگیری از رفتارهای پرخطر برگزار می‌شود، فرصتی است مغتنم تا با کمک یکدیگر، پیام «خودمراقبتی» را در مدارس به عنوان گسترش دهنده مرزهای دانایی و سلامت در میان دانش آموزان کشور ترویج کنیم و نهضتی فرهنگی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر، در میان نوجوانان، خانواده‌ها و در سطح جامعه برپا کنیم.

همه افراد جامعه بکوشند تا نوجوانان را از خطراتی که تهدیدشان می‌کند آگاه کنند و با ترویج سبک و شیوه‌های زندگی سالم و مهارت پیشگیری و مراقبت، هرگونه گرایش و عوامل مخاطره‌آمیز را از آن‌ها دور کنند.

از شما می‌خواهم در فعالیتهای فرهنگی و آموزشی مدرسه نظیر این جشنواره، مشارکت فعال داشته باشید و با ترویج پیام‌های آگاهی بخش به منظور پیشگیری، خودمراقبتی و سبک زندگی سالم، نقش سازنده و مؤثری در این نهضت فرهنگی به منظور مقابله با رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی ایفا نمایید.

از خداوند بزرگ و بلند مرتبه برای شما آینده‌سازان و نونهالان عزیز ایران اسلامی، سلامت، تندرستی و موفقیت مسألت دارم.

علی اصغر فانی؛ وزیر آموزش و پرورش

۱۳۹۳/۶/۱۷

گزارش

ترویج شیوه‌های زندگی سالم و پیشگیری از رفتارهای پرخطر سومین جشنواره کشوری نوجوان سالم برگزار شد



سومین جشنواره دانش‌آموزی نوجوان سالم به همت دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش و همکاری ادارات مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی سازمان‌های آموزش و پرورش کشور در روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریورماه در تهران برگزار شد.

در این جشنواره که با حضور دانش‌آموزان برگزیده کشوری در دو اردوگاه شهید چمران و شهید باهنر برگزار شد، دانش‌آموزان برگزیده و رؤسای ادارات مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی، در روز اول با شرکت در کارگاه‌های تخصصی نقاشی، فیلم‌سازی، مقاله‌نویسی، نشریه دیواری و عکاسی و همچنین کارگاه‌های تخصصی شیوه‌ها و سبک زندگی سالم و پیشگیری در برابر آسیب‌های اجتماعی از مباحث طرح شده در این کارگاه‌ها بهره‌مند شدند.

مراسم اختتامیه این جشنواره نیز در روز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه با شرکت دانش‌آموزان و مربیان همراه، مسئولان وزارت آموزش و پرورش، مدیران ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری و دیگر میهمانان در محل باغ‌موزه دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت برگزار شد. در ابتدای این مراسم دکتر مهرزاد حمیدی، معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش طی سخنانی اعلام کرد: وزارت آموزش و پرورش، در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، بسته برنامه‌های چندبعدی را اجرا می‌کند.

وی افزود: در شرایطی که در جامعه کنونی، دشمن با حمله نظامی و تحریم اقتصادی به نتیجه نرسیده است، تهاجم و شبیخون فرهنگی، نقشه شوم دشمن برای جوانان و نوجوانان است، وظیفه همه ما این است که تلاش کنیم در زمینه مدیریت آسیب‌های اجتماعی و فعالیت‌های پیشگیری در حوزه دانش‌آموزی، در قالب فعالیت‌های متنوع فرهنگی - تربیتی، برای محافظت و مصونیت کودکان و نوجوانان کشورمان به جهاد بپردازیم و برای این منظور، یکی از بهترین شیوه‌ها این است که دانش‌آموزان در یک همکاری چندجانبه خانواده، مدرسه و رسانه‌های گروهی به همه ابعاد شخصیتی خود توجه و تمرکز داشته باشند. در همین راستا رویکرد آموزش و پرورش توجه به ساحت‌های گوناگون و رشد متوازن دانش‌آموزان است و برای این منظور، باید فرصت‌های مختلف تربیتی را برای دانش‌آموزان فراهم نماییم.

دکتر حمیدی در تبیین نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان هم گفت: وزارت آموزش و پرورش، در قالب سند پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان، بسته برنامه‌های چندبعدی را طراحی کرده است که شامل برنامه‌های مختلف آموزشی، فرهنگی و مراقبتی است و جشنواره دانش‌آموزی نوجوان سالم، یکی از برنامه‌های این بسته جامع است که طی سه سال اجرا، شاهد رشد ۷ برابری آثار دانش‌آموزان بوده‌ایم.

معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش در بخش دیگری از سخنان خود به اقدامات وزارت آموزش و پرورش در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد و گفت: آموزش و پرورش، علاوه بر کتاب‌هایی چون مطالعات اجتماعی و سبک زندگی که با رویکرد آموزش مهارت‌های زندگی در برنامه درسی دانش‌آموزان گنجانده است، در سال تحصیلی گذشته، یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر از والدین و ۱۶۰ هزار نفر از کارکنان را تحت پوشش کارگاه‌های آموزشی پیشگیری قرار داده است. همچنین حداقل ۵۰۰ هزار نسخه مجله پیشگیری نوین برای دو گروه (والدین و کارکنان) منتشر شده است. در حوزه دانش‌آموزی نیز، حداقل ۳ میلیون نفر از دانش‌آموزان از برنامه‌های مختلف آموزش پیشگیری، استفاده کردند.

وی در پایان سخنان خود گفت: از جمله فعالیت‌هایی که در سال تحصیلی جدید و در مهرماه در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار دارد، برگزاری المپیادهای ورزشی درون مدرسه‌ای است که علاوه بر اهداف ورزشی، یک فرصت ارزنده برای توجه به رشد و پرورش ساحت‌های مختلف تربیتی دانش‌آموزان است.

در پایان این مراسم ضمن تجلیل از دانش‌آموزان برگزیده بخش کشوری، از تندیس و تمبر یادبود جشنواره نیز رونمایی شد.
گزارش کامل این جشنواره در شماره‌های آتی مجله چاپ خواهد شد.



پیشگیری از آسیب‌های اجتماع همت جمعی می‌خواهد

گفت‌وگو با معاون سلامت و تربیت بدنی و رئیس اداره مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی

ابراهیم داودیگی

اشاره

پس از انتشار اولین دوره مجلات «رشد پیشگیری نوین» ویژه والدین و کارکنان مدارس) در قالب یک مجله، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ فرصتی ایجاد شد تا دیداری با معاونت تربیت بدنی و سلامت و رئیس اداره مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی «اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی» داشته باشیم. در این دیدار که با بازدید از برخی مدرسه‌های شهر بیرجند همراه بود، با مدیران این مدارس هم‌صحبت شدیم و در پایان نیز پای صحبت‌های این دو مسئول نشستیم. آنچه می‌خوانید، گزارش این دیدار و گفت‌وگوی سردبیر مجله رشد پیشگیری نوین (ویژه کارکنان مدارس) با آقایان حمیدرضا رخشانی، معاون تربیت بدنی و سلامت و علی مودی، رئیس اداره مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی اداره کل آموزش و پرورش خراسان جنوبی است.

حمیدرضا رخشانی، معاون تربیت بدنی و سلامت

به‌نام خدا، حضور دوستان را در استان خراسان جنوبی گرامی می‌داریم. امیدواریم این گفت‌وگو و تبادل نظر برای خوانندگان محترم نشریه مفید باشد.

انتشار مجله رشد پیشگیری نوین، گامی اساسی و باارزش در مسیر آموزش برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. این مجله به ما کمک می‌کند تا بتوانیم بهتر و مؤثرتر با همکاران خود سخن بگوییم. به‌گونه‌ای که بعد از وصول مجله، مطالب آن را در قالب پیام‌های تخصصی دسته‌بندی می‌کنیم و به‌صورت نوشته‌هایی مستقل به مدرسه‌ها می‌فرستیم تا همه معلمان و کارکنان به موضوعات و مطالب مطرح شده در مجله دسترسی داشته باشند.

البته این کار در مورد مجله رشد پیشگیری نوین (ویژه اولیا) هم صورت می‌گیرد و باز هم این مطالب را از مسیرهای ممکن، مانند جلسات اولیا با مدرسه‌ها و یا انجمن اولیا و مربیان در اختیار

همکاران آگاه و مسئولیت پذیر ما بادنستن این مسئله و جدی بودن خطری که از ناحیه آسیب های فراوان محیطی فرزندان ما را تهدید می کند، تلاش می کنند تا با مراقبت های ویژه از بروز آسیب های مختلف جلوگیری کنند. مشاوران آگاه و با سواد ما در مدارس نقش مهمی دارند

مخاطبان می گذاریم. از آنجا که این مطالب توسط آموزش و پرورش تهیه می شوند، تلاش می کنیم حداکثر بهره را از آن ببریم. اشاره کردید که رشد پیشگیری نوین، ویژه دانش آموزان هم قرار است منتشر شود که ان شاء الله سبب می شود، در حوزه دانش آموزی هم منبع خوب و قابل اتکالی را در اختیار داشته باشیم. به نظر من انتشار مجله رشد پیشگیری نوین اقدامی سازنده است.

مسئولیت شناسی و آگاهی نقشی مهم در پیشگیری از آسیب ها دارد

استان خراسان جنوبی، با مرکزیت شهر بیرجند، مرزی طولانی با کشور افغانستان دارد که این هم مرزی و همسایگی، و کاشت، تولید و وجود موادمخدر سنتی (تریاک) خطر بالقوه ای است که حساسیت موضوع را در این استان و به خصوص شهرهای مرزی صدچندان می کند.

خوش بختانه همکاران آگاه و مسئولیت پذیری داریم که با دانستن این موضوع و آگاهی از خطری که فرزندان ما را تهدید می کند، می کوشند با مراقبت های ویژه از بروز آسیب های مختلف جلوگیری کنند. مشاوران آگاه و با سواد ما در مدرسه ها نقش مهمی دارند. خوش بختانه، یکی از توفیقات حاصل شده، همکاری و معاضدت همه همکاران در حوزه پیشگیری از آسیب های اجتماعی است.

از آنجا که مأموریت و مسئولیت ما در آموزش و پرورش بحث آموزش و پیشگیری است و باید هم در همین زمینه متمرکز شویم و فعالیت کنیم، وجود نشریات و منابعی که بتوانیم مورد استناد و استفاده قرار دهیم، بسیار مهم است.

این نگاه که مسئولیت مراقبت از دانش آموزان، تنها برعهده مدیر مدرسه و یا مشاور و معاون آن نیست، نگاه بسیار خوبی است. چون محدود کردن موضوع به افرادی خاص باعث می شود که دیگران احساس کنند، مسئولیتی در آن خصوص ندارند و یا اینکه نادیده گرفته شده اند. همان طور که در وظایف پدر و مادر و اعضای خانواده چنین تفکیک هایی وجود ندارد و همه خودشان را در قبال مسائل خانوادگی و فراتر از آن، مسائل اجتماعی مسئول می دانند، در بحث آسیب های اجتماعی هم ما باید همه عوامل مدرسه، خانواده و جامعه را درگیر این موضوع کنیم و با یک همت جمعی و شاید بتوان گفت با یک عزم ملی در این خصوص گام برداریم.

در مجله رشد پیشگیری نوین (ویژه کارکنان مدارس) ما شاهد هستیم که به همه عوامل دخیل در مدرسه و به خصوص کارکنان نگاه ویژه ای شده است. در واقع تلاش شده است تا کارکنان مدارس بنا به مسئولیت و ظرفیتی که دارند، در این کار خطیر مسئولیت داشته باشند. به نظر من کلید موفقیت در مقابله با آسیب های اجتماعی همین عزم و اراده جمعی است که به خصوص کارکنان مدارس به عنوان عوامل مؤثری که زمان زیادی را با دانش آموزان می گذرانند، می توانند در این زمینه نقش مهمی داشته باشند.

هنوز هم درس و تحصیل برای خانواده ها اولویت اول است

در خراسان جنوبی و به خصوص بیرجند و شهرستان های استان، عامل مهمی که کمک می کند بچه ها فرصتی برای پرداختن به زندگی داشته باشند، و همین موضوع هم باعث می شود از شدت و میزان آسیب های اجتماعی کاسته شود، اهمیت و جایگاه علم آموزی و درس خواندن است.

در اینجا بین خانواده ها سواد و تحصیلات ارزش است و این موضوع ریشه در گذشته فرهنگی استان دارد. وجود «مدرسه شوکتیه» بیرجند که دانش آموختگان آن مایه افتخار و مباهات هستند، و دیگر مدارسی که از جمله اولین مدارس نوین کشور هستند، شاهدی بر این مدعاست.

وجود بزرگانی مانند دکتر غلامحسین شکوهی به عنوان فردی صاحب نظر در امر تعلیم و تربیت، مرحوم پرفسور محمدحسن گنجی، پدر علم جغرافیا، مرحوم پرفسور کاظم معتمدنژاد، پدر علم ارتباطات و دیگر بزرگان و دانشمندی که پای در خاک این استان داشته اند، نشانگر همین موضوع و اهمیت دانش و سواد در این استان است. حالا شاید به دلیل مشکلاتی که به طور طبیعی وجود دارند، توجه کافی به این موضوع نشده باشد، اما هنوز هم درس و سواد در این استان برای خانواده ها اولویت دارد و ارزشمند است. یعنی توجه به ظرفیت های فرهنگی و ریشه دار هر استان می تواند در پیشگیری از آسیب های اجتماعی مؤثر و راهگشا باشد. همین بزرگانی که اشاره کردم، برخی در خانواده های روستایی و با پدرانی که شغل آنان کشاورزی، خیاطی و شغل های مرسوم در روستا بوده است، توانسته اند مدارج بالای علمی را طی کنند. در دانشگاه های معروف و صاحب نامی در کشورهای فرانسه، سوئیس، آمریکا و... تحصیل کنند، رتبه های اول آن دانشگاه ها را به دست آورند و مایه فخر و مباهات کشور اسلامی ایران شوند.

توجه به اوقات فراغت، سلامت دانش آموزان را تضمین می کند

اگر بپذیریم که مشغول شدن دانش آموزان به درس و مشق و فعالیت های سازنده و جذاب، آن ها را از درغلتیدن به وادی آسیب های اجتماعی مصون خواهد داشت، قطعاً این اراده و همت را هم خواهیم داشت که با گام برداشتن در این مسیر، به نحوی سازنده و پیشگیرانه به مقابله با آسیب های اجتماعی بپردازیم.



همین که امروز شما به استان خراسان جنوبی آمده‌اید، می‌تواند فتح باب و تجربه خوبی برای این کار باشد. شاید در دوره اول انتشار نشریات پیشگیری نوین این زمینه وجود نداشت، اما حالا بعد از یک دوره انتشار و وجود تجربه‌ای مکتوب، خوب است که ارتباط بیشتری با استان‌ها داشته باشید و از نظرات، تجربیات و یافته‌های آنان هم در این زمینه استفاده کنید.

دادن آگاهی و قدرت انتخاب بهترین گزینه برای حضور در دنیای مجازی

این امکان را هم نداریم که همه محیط این دنیا را سالم کنیم، اما اگر بتوانیم فرزندان و دانش‌آموزان خود را به‌گونه‌ای مصون، سالم و آگاه بار بیاوریم که خودشان قدرت انتخاب داشته باشند و به اختیار و تشخیص آگاهانه خود، از این دنیا استفاده کنند، شاید بهترین و منطقی‌ترین راه باشد. در عین اینکه باید به فکر سالم کردن این محیط‌ها و بستن مسیرهای خطر آفرین و مخرب هم باشیم.

نکته مهم دیگر هم فعالیت‌های جایگزین و عملی است. ما زمانی که به فرزندمان و یا دانش‌آموز می‌گوییم قلیان نکش، باید به‌جای آن فرصتی فراهم کنیم تا او بتواند ضمن تفریح، بازی و لذت بردن از اوقات فراغت خودش، نیازی به قلیان کشیدن و تفریحات ناسالم دیگر نداشته باشد. در دنیایی که دانش‌آموز می‌تواند با یک تلفن همراه، رایانه یا لپ‌تاپ ساعت‌ها مشغول شود و اگر خودش انتخاب درستی نداشته باشد، از این ارتباط آسیب ببیند، نمی‌توان با محدودیت و مانع گذاشتن او را از این آسیب‌ها مصون داشت. اساساً به‌نظر می‌رسد این دنیا دنیای درمان هم نیست. یعنی اگر دانش‌آموز قدرت انتخاب نداشته باشد، جذابیت‌های محیط چنان او را به خود مشغول می‌کند که شاید فرصتی برای بازگشت به زندگی سالم نداشته باشد. پس تقاضای من این است که در این نشریات، تجارب عملی و موفق همکاران ما در سرتاسر کشور منعکس شود تا ما بتوانیم با استفاده از خرد جمعی، نقشی مؤثرتر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم.

به طو رقطع و یقین موفقیت و توسعه طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در گرو همکاری همه کارکنان مدارس است و ما خوشحالیم که همکاران ما در مدارس با درک این ضرورت و خطراتی که از این ناحیه دانش‌آموزان را تهدید می‌کند، به کمک مدیران مدارس آمده‌اند و باعث شده‌اند این طرح‌ها به خوبی اجرا شود

آقای دکتر شکوهی در خاطراتش نقل می‌کند: «زمانی که ما درس می‌خواندیم، هیچ امکان و زمینه‌ای برای تفریح و سرگرمی وجود نداشت. ما همه وقت و زمان خود را صرف درس خواندن می‌کردیم.»

یک معنی این حرف آن است که حتی اگر امکانی برای مشغولیت‌های دیگر نباشد، اما درس خواندن و سواد یک ارزش باشد، دانش‌آموزان ما راه خودشان را پیدا خواهند کرد. البته شکی نیست که ما امروزه با جامعه و دانش‌آموزانی روبه‌رو هستیم که باید به همه نیازهای آنان توجه کنیم. اما حتی در کمبود امکانات و ظرفیت‌های لازم هم نباید ناامید شد و جای کار و فعالیت وجود دارد.

در تحلیل و ارزیابی مسائل از آسیب‌های اجتماعی غافل نشویم

از یاد نبریم که اوضاع و احوال اجتماعی ما دچار تغییر شده است و همین تغییرات، علی‌رغم امکاناتی که ممکن است فراهم آورده باشند، آسیب‌هایی را هم به دنبال داشته‌اند که نباید از آن‌ها غافل باشیم. در همین بیرجند ما در گذشته، خانه‌های مسکونی به‌صورت یک حیاط مرکزی ساخته می‌شدند که دورتادور آن اتاق‌هایی وجود داشتند و به نوعی همه ساکنان خانه که معمولاً با هم فامیل و قوم و خویش بودند، دور هم زندگی می‌کردند. اما حالا چه؟ آپارتمان‌های نقلی و چسبیده به هم و کوچک! این یک مثال است. می‌خواهم بگویم که ما باید توجه داشته باشیم، محیط‌های زندگی ما هم به‌نوعی تغییر کرده‌اند که همین موضوع، خواسته یا ناخواسته باعث بروز آسیب‌هایی می‌شود. یا ماهواره، اینترنت و دنیای مجازی، با همه امکاناتی که فراهم کرده‌اند، ولی ما را در معرض آسیب‌هایی قرار داده‌اند که نمی‌توانیم نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا باشیم.

نکته مهمی که باید به آن توجه شود، بوم‌زیست استان‌ها و محیط اجتماعی و حتی جغرافیایی استان است که باید به کمک همکاران در استان‌های گوناگون این آسیب‌ها را شناسایی و درخصوص آن‌ها، بنا به مقتضیات هر یک تصمیم‌گیری کنیم. درست است که نشریه شما، نشریه‌ای آموزشی است، اما خوب است که با استان‌ها هم ارتباط بیشتر و نزدیک‌تری داشته باشد.



طبق طراحی‌های انجام شده، دانش‌آموزانی که این آموزش‌ها را فرامی‌گیرند، می‌توانند آموخته‌های خود را بین هم‌کلاسی‌ها و هم‌سالانشان ترویج دهند. با این مشارکت عملی، کوشش شده است از ظرفیت‌های دانش‌آموزی هم بهره‌ بیشتری ببریم

علی مودی، رئیس اداره‌ مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی

در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، براساس تفاهم‌نامه‌ای که بین

مدارس با رفع اشکالات احتمالی فراهم شود. اجرای طرح‌های موردنظر الحمدالله نتایج ملموس و درخور توجهی داشته است و کارگاه‌های آموزشی هم در این مدارس برگزار شده‌اند. در این کارگاه‌ها با حضور استادان مجرب استان و شهرستان، آموزش‌های لازم در زمینه مهارت‌های زندگی، مهارت‌های مقابله با خشم، مهارت‌های مقابله با استرس، مهارت تاب‌آوری و مهارت نه گفتن ارائه شده است.

طبق طراحی‌های انجام شده، دانش‌آموزانی که این آموزش‌ها را فرامی‌گیرند، می‌توانند آموخته‌های خود را بین هم‌کلاسی‌ها و هم‌سالانشان ترویج دهند. با این مشارکت عملی، کوشش شده است از ظرفیت‌های دانش‌آموزی هم بهره بیشتری ببریم. ما امیدواریم با گسترش و توسعه این آموزش‌ها و فراگرفتن این مهارت‌ها بتوانیم جلوی رشد آسیب‌ها را بین دانش‌آموزان بگیریم.

ستاد مبارزه با موادمخدر ریاست جمهوری و وزارت آموزش و پرورش منعقد شده است، برای هر استان برنامه‌هایی تعریف شده‌اند که این برنامه‌ها در سطح مدارس به اجرا درمی‌آیند. این تفاهم‌نامه‌ها در ۱۲ بند تنظیم شده است. چهار

بند آن مخصوص برنامه‌های دانش‌آموزی و بقیه بندها در مورد کارگاه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی برای اولیا و همکاران، تولید و توزیع بسته‌های آموزشی و همچنین برگزاری جشنواره دانش‌آموزی نوجوان سالم است. دو بند هم جدیداً به این تفاهم‌نامه اضافه شده است که شامل مداخلات روانی، آموزشی و اجتماعی درخصوص دانش‌آموزانی است که یا در خانواده‌های پرخطر زندگی می‌کنند و یا احیاناً خودشان متأسفانه گرفتار آسیب‌ها شده‌اند.

چهار مرحله اول شامل سه دوره تحصیلی می‌شود و دوره‌های تحصیلی ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم را دربرمی‌گیرد. یک برنامه هم مستقلاً همه دوره‌های تحصیلی را دربرمی‌گیرد. مدارس عاری از خطر را داریم که مخصوص دوره دوم متوسطه است. آموزش مهارت‌های مقابله‌ای را داریم که مخصوص دوره اول متوسطه است. همچنین طرح مراقبت از خود را داریم که مربوط به دوره ابتدایی با اولویت پایه ششم است. مدارس مراقب هر سه دوره تحصیلی را دربرمی‌گیرند.

همکاری و مشارکت مدرسه‌ها، عاملی مهم در توفیق اقدامات پیشگیرانه

موضوع مهمی که باید به آن اشاره کنم، همکاری صمیمانه همکاران ما در مدارس درخصوص اجرایی شدن این طرح‌هاست. به‌طور قطع و یقین موفقیت و توسعه این طرح‌ها در گرو همکاری همه کارکنان مدرسه‌هاست ما خوش‌حالیم که همکاران ما در مدرسه‌ها با درک این ضرورت و خطراتی که از این ناحیه دانش‌آموزان را تهدید می‌کنند، به کمک مدیران مدرسه‌ها آمده‌اند و باعث شده‌اند این طرح‌ها به‌خوبی اجرا شوند.

همکاران ما و به‌خصوص کارکنان مدرسه‌ها در این استان، توجه خاصی به سلامت دانش‌آموزان دارند. نگاه این عزیزان به دانش‌آموزان مانند نگاه پدر و مادری است که نگران فرزند خویش است. همین موضوع باعث شده است، ظرفیت خوبی در این مسیر به یاری ما بیاید و بتوانیم حداکثر استفاده از این طرح‌ها را ببریم. البته ما از نقش مهم و اساسی خانواده در این موضوع هم غافل نیستیم و همکاری این عزیزان هم برای ما بسیار مغتنم است. اما چون به لحاظ حضور همکاران در مدرسه و زندگی با دانش‌آموزان، نقش آنان بسیار بااهمیت است، من از همکاران یاد کردم.

مقدمات برگزاری آموزش‌های حرفه‌ای را در همه مدارس فراهم کرده‌ایم

در دوره‌های آموزشی برگزار شده، ۱۰۰ آموزشگاه را تحت پوشش قرار داده‌ایم که امروز به اتفاق از سه مدرسه در دوره اول دبیرستان بازدید کردیم؛ مدرسه حضرت معصومه (س) که جزو مدارس مراقب است، دبیرستان کارودانش امام خمینی (ره) که جزو مدارس عاری از خطر است و دبیرستان شاهد دختران که آن هم جزو مدارس عاری از خطر است. این‌ها مدارس پایلوت ما هستند. یعنی طرح‌های موردنظر به‌صورت موردی در این مدارس به اجرا درمی‌آیند تا ان‌شاءالله مقدمات اجرایی اساسی آن‌ها در دیگر

آب را از سرچشمه پاک کنیم

و مدارس و آموزش و پرورش به تنهایی نمی‌توانند در این زمینه موفق شوند.

اوقات فراغت نیز موضوع بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود. می‌دانیم که بسیاری از آسیب‌ها از ناحیه همین بی‌کاری و نداشتن برنامه در اوقاتی است که دانش‌آموز به دلیل نیاز به فعالیت و صرف انرژی، با آن درگیر می‌شود. نبودن امکانات تفریحی و سالم ورزشی، نبودن مراکز فرهنگی و هنری با فعالیت‌های جذاب و ارزان‌قیمت، و مسائلی از این دست، به‌خصوص در روستاها و مناطق دورافتاده‌تر، باعث می‌شود که فرزندان ما به‌سوی فعالیت‌های ناسالم و آسیب‌زا بروند. برای حل این مشکلات باید همه نهاد‌های فرهنگی و اجتماعی و همه کسانی که می‌توانند در این مسیر کمک کنند، به مشارکت و همکاری بیایند تا این مشکلات کمتر و به تبع آن، آسیب‌های کمتری هم متوجه دانش‌آموزان و فرزندان ما شود.

قلیان و سیگار، دروازه ورود به دنیای موادمخدر سنتی و صنعتی

باید تأکید کنیم که علی‌رغم اینکه امروز استعمال سیگار و قلیان رسماً ممنوع نیست، اما خطرات بالقوه آن همچنان وجود دارند و بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند خطرات زیادی را متوجه مدرسه‌های ما کند.

چند ماه پیش، در همایشی که در این شهرستان برگزار شد، پروفسور بلالی مود اشاره کرد، چند سم خطرناک در قلیان وجود دارد که هر کدام می‌توانند زمینه ابتلا به نوعی بیماری را ایجاد کند. سخنان این بزرگان که از مفاخر استان و مورد اعتماد و وثوق مردم و خانواده‌ها هستند، می‌تواند تأثیر زیادی در عدم گرایش جوانان و خانواده‌ها به مواد زمینه‌ساز مثل قلیان و سیگار باشد. ایشان در آن همایش گفت: «یک قلیان به اندازه چندین نخ سیگار به فرد آسیب وارد می‌کند و به‌خصوص در قلیان‌های میوه‌ای، سمومی وجود دارد که بسیار خطرآفرین هستند»

علما و بزرگان مردم را از خطرات مصرف مواد آسیب‌زا آگاه و برحذر دارند

به نظر بزرگان ما هم باید در این موضوعات وارد شوند و با آگاهی دادن و در صورت نیاز، دادن اخبارهای لازم، مانع گسترش مصرف این مواد در جامعه شوند. یادمان نمی‌رود که یک فتوای یک خطی مرحوم میرزای شیرازی در خصوص منع مصرف دخانیات، چه تأثیر عظیمی بر جامعه گذاشت؛ به‌گونه‌ای که در کاخ ناصرالدین شاه هم قلیان‌ها را شکستند. الحمدلله دانش‌آموزان ما پاک هستند، اما ما باید قبل از پرداختن به موادمخدر سنتی و صنعتی، در خصوص استعمال سیگار و قلیان حساسیت داشته باشیم تا از همان سنین کودکی، نوجوانی و جوانی، زمینه تجربه این مواد و گسترش آن به مواد خطرناک‌تر را از ریشه از بین ببریم.

نکته مهمی که باید به آن توجه کنیم، موضوع پیشگیری از آلوده شدن دانش‌آموزان به این آسیب‌هاست. ما همیشه به همکاران عزیز فرهنگی تأکید کرده‌ایم که باید بکوشیم، آب از همان سرچشمه زلال و تمیز باشد. چون اگر سرچشمه آلوده شود، جلوگیری از خطرات آن در مسیر خیلی سخت و هزینه‌بر می‌شود. اگر خدای ناکرده دانش‌آموزی به دلیل بی‌مبالاتی و یا کم‌توجهی ما آلوده شود، جبران چنین خسارتی به آسانی ممکن نخواهد بود. ما با بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده موادمخدر دنیا (تریاک)، یعنی افغانستان، ۶۰ کیلومتر مرز مشترک داریم و چهار شهر ما یعنی نهبندان، سربیشه، درمیان و زیرکوه با این کشور هم‌مرز هستند. پس اینجا پیشانی ورود غیرقانونی موادمخدر است که می‌تواند در صورت بی‌توجهی خیلی خطرآفرین باشد. الحمدلله، نیروی مقتدر انتظامی ما با جان‌فشانی و ایثار در مرزهای شرقی کشور، مراقب این نواحی است و از این زاویه مشکل زیادی حداقل متوجه دانش‌آموزان ما نیست.

متأسفانه مشکل عمده ما که گاهی باعث بروز مشکلاتی می‌شود، باورهای غلط و گاه بی‌مبالاتی و بی‌توجهی خانواده‌ها به این موضوعات و اموری چون قلیان و سیگار است که می‌تواند زمینه آسیب‌های بعدی را به‌وجود آورد.

باورها و عادات غلط، عاملی مهم در شیوع مصرف مواد آسیب‌زا

از زمان‌های قدیم از تریاک به‌عنوان ماده‌ای دارویی یاد شده است و در برخی نقاط، افرادی که ادعای آگاهی از امور درمانی داشته‌اند، به‌عنوان دارو و مسکن از آن استفاده کرده‌اند. شاید در آن زمان از مضرات این ماده و آثار مخرب آن که می‌تواند باعث اعتیاد دائمی شود، آگاهی زیادی نداشته‌اند. به‌همین دلیل و به‌خاطر آثار موقت آن در تسکین درد و در نبود مراکز درمانی و بهداشتی، تصورات غلطی در این زمینه در اذهان برخی از مردم شکل گرفته است. از سوی دیگر، برخی افراد هم که منافع خود را در این کار دیده‌اند، با ترویج این افکار غلط و ارائه این مواد به‌صورت آسان، باعث شده‌اند مصرف این ماده روایی عادی و مرسوم پیدا کند. البته این مشکل بیشتر در روستاهای دورافتاده و محروم محتمل‌اند و آگاهی خانواده‌ها در محیط‌های بزرگ‌تر باعث شده است، آسیب کمتری از این ناحیه متوجه جامعه شود.

نکته دیگر، بحث مصرف سیگار، آن هم با وجود بسته‌بندی‌های اغواکننده و متنوع، ایجاد مراکز تحت عنوان سفره‌خانه سنتی، و گسترش مصرف قلیان و دخانیات است که توسعه و ترویج آن می‌تواند ضمن آسیب‌های جسمی، خطراتی را هم در خصوص به‌وجود آوردن زمینه اعتیاد در آینده در پی داشته باشد. متأسفانه تجارب و دیده‌ها و شنیده‌ها نشان می‌دهند، کسانی که لب به سیگار و قلیان می‌زنند، در استفاده از موادمخدر (که معمولاً با مصرف تفنی آغاز می‌شود) کمتر تردید می‌کنند و همین خطر بالقوه‌ای است که مقابله با آن به عزم ملی و همگانی نیاز دارد

در کنار بحران‌های جهانی فقر و رشد جمعیت، نابودی محیط زیست و تهدیدات هسته‌ای، موضوع مواد مخدر به عنوان چهارمین و بزرگ‌ترین مسئله هزاره سوم سبب شده‌است که بالغ بر ۱۷۰ کشور جهان با این معضل دسته و پنجه نرم کنند.

براساس آمارهای منتشره از سوی «سازمان ملل متحد»، قریب ۲۰۰ میلیون نفر در جهان به نوعی از مواد افیونی اعتیاد دارند. تقاضای مواد مخدر از سوی مصرف‌کنندگان، زمینه را برای اشتغال بیش از ۱۰ میلیون قاچاقچی حرفه‌ای، به‌عنوان مافیای مواد مخدر، در سطح دنیا فراهم کرده‌است. سود خالص حداقل ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیارد دلار در سال ناشی از تجارت غیرقانونی مواد مخدر، با گردش مالی سالانه ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ میلیارد دلار، سبب شده‌است که مواد مخدر در کنار اسلحه، نفت و گردشگری به عنوان یک صنعت غیرقانونی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد (رنجبر، ۱۳۹۲).

حال با توجه به چنین شرایطی چگونه می‌توان انتظار داشت که ابرقدرت‌های جهان از چنین ثروت سرشاری چشم‌پوشند و برای حل معضل اعتیاد چاره‌اندیشی کنند؟ بنابراین چاره کار در دست‌ان خودمان است که برای بهبود سطح سلامت و بهداشت روانی، اجتماعی و فرهنگی فرزندانمان بکوشیم. خداوند انسان را خلق کرد، از روح خود در او دمید، او را اشرف مخلوقات نام نهاد و خلیفه خود در زمین قرار داد. بدون شک خداوند برای خلیفه‌الله بودن انسان هم برنامه کاملی ارائه داده‌است که این خطوط را انبیای الهی و پیغمبران برای ما ترسیم کنند. چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید: «آیا شما را بیهوده آفریده‌ایم؟ (مؤمن / ۱۱۵)». مسلماً خداوند حکیم کار بیهوده‌ای را انجام نمی‌دهد و خلقت انسان هدفی داشته‌است که در راستای آن مسئولیت‌هایی را بر دوش ما قرار می‌دهد.

مهم‌ترین این مسئولیت‌ها پیمودن راه کمال براساس فطرت و جان آدمی است؛ پیمودن راهی صحیح و سرشار از موفقیت و سلامت روحی و روانی که لازمه آن اندیشیدن به انگیزه خلقت و برهیز از کجروی‌هاست.

اکنون با توجه به شرایط جدید زندگی و دشواری‌های تربیتی و تحصیلی، داشتن خانواده و مدرسه توانمند یک ضرورت اساسی است. آموزش مهارت‌های اساسی زندگی به دانش‌آموزان نیاز مبرمی است تا در پرتو برخورداری از این مهارت‌ها، به فرایند پرورش فرزند سالم، پویا و با طراوت برسیم. یکی از عوامل مهم و اثربخش در فرایند تعلیم و تربیت صحیح، توجه به تربیت دینی دانش‌آموزان است.

توجه به بُعد معنوی و مذهب در آموزش، زمینه کاهش خطر آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد را فراهم می‌آورد و ضریب افزایش سلامت فرد و جامعه را در پی خواهد داشت. با توجه به هجمه سنگین تبلیغات فرهنگی که از سوی رسانه‌های کشورهای استعماری به عنوان ابزاری برای تخدیر و تحقیر جوامع و وابسته کردن آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، معنویت می‌تواند مطمئن‌ترین وسیله برای مبارزه با رسوخ باورهای غلط، مواد مخدر، ناهنجاری‌های اخلاقی و... باشد.



محمد سلیمانی راوری
مدیر مرکز آموزشی نبی اکرم (ص) راور کرمان

آن در پیشگیری از اعتیاد آموزه‌های دینی و نقش

نقش مذهب و آموزه‌های دینی در پیشگیری از مصرف مواد مخدر

مذهب می‌تواند از جنبه‌های گوناگون بر اعتیاد و مصرف مواد مخدر اثرگذار باشد:

● ایفای نقش پیشگیرانه با تحریم شروع مصرف مواد مخدر به صورت آموزش‌های مستقیم مردم در منع آن و هدفدار کردن زندگی آنان برای مقابله با موقعیت دشوار؛

● ایفای نقش مداخله‌گرانه در جلوگیری از گسترش اعتیاد

● حمایت نظام‌مند و ارائه خدمات و مشاوره‌های روانی برای ادامه روند اصلاحی؛
● اعمال برنامه‌هایی برای تشویق فرد معتاد به ترک و جلوگیری از مصرف مواد مخدر.

مذهب با ارائه ارزش‌های سازنده‌ای که شامل پیشرفت، کار سازنده و مسئولیت‌پذیری است، می‌تواند در تشکیل یک ساختار اجتماعی پراهمیت نقش داشته باشد.

عموماً اعتیاد از مجرای به‌عنوان گروه یا گروه‌های مخرب، فرد را وارد جرگه مصرف می‌کند، در حالی که مذهب می‌تواند با بازتولید نقش‌های سازنده و تأثیر بر فرد و کمک به او برای تشخیص بهتر ثواب، در تأمین بهداشت روانی فرد و جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد و از مصرف تفریحی یا دائمی مواد مخدر و شرکت در گروه‌های نامطمئن جلوگیری کند.

از پرورش جنبه‌های دیگر بهداشت روانی می‌توان به بُعد ایجاد اعتمادبه‌نفس و هدفدار کردن زندگی اشاره کرد که در ارتقای میزان مقاومت فرد در مواجهه با مشکلات و فشارهای روحی- روانی نقش بسزایی دارد. این دو جنبه، در بحبویه فشارهای عصبی ناشی از مشکلات و تعاملات زندگی ماشینی امروز، که علائم آن به صورت افسردگی، احساس از خود بیگانگی، تنهایی و ضعف در عزت نفس بروز می‌کند، می‌تواند به‌عنوان پناهگاه و مأمنی مطمئن، نقش سازنده‌ای ایفا کنند. در قرآن مجید می‌خوانیم:

● «ربنا ما خلقت هذا باطلا»: خدایا این جهان را بی‌پهوده نیافریدی (آل عمران/ ۱۹۱).

● «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً...»: آیا پنداشته‌اید شما را بی‌پهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگشت نمی‌کنید؟ (مؤمنون/ ۱۱۵).

احساس صمیمیت و محبت در عبادت یکی از ویژگی‌های مهم مذهب است که در آن، فرد با احساس سبکی و تعلق خاطر با معبود خود همراز می‌شود. به‌طوری‌که این حس در وجود او

پدید می‌آید که در لحظاتی از زندگی که دیگران برای درمان مشکلاتش تأثیری ندارند، فقط خداست که به وجود او انرژی و گرمی می‌بخشد و می‌تواند او را به گشایش مشکلاتش امیدوار نگه دارد.

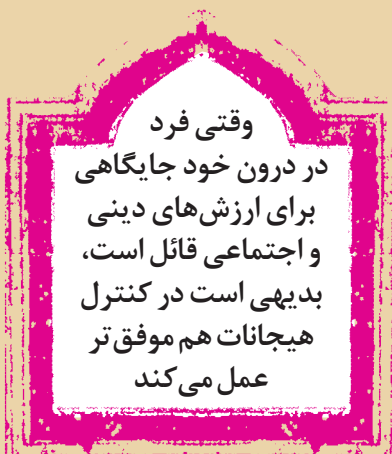
تجربیات بشری نشان می‌دهند، کسانی که همواره ارتباط روحی و روانی خود را از راه عبادت با خداوند حفظ کرده‌اند، از عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس بهتر و از سطح سلامت روحی و روانی بالاتری برخوردار هستند. شواهد نشان می‌دهند، افرادی که خود را به مذهب مقید می‌دانند و به‌طور واقعی به آن تقید دارند، بیشتر خود را در پرهیز از ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر اعتیاد به مواد مخدر، بزهکاری‌ها و صرف مشروبات الکلی و مسکرات متعهد می‌دانند.

وقتی فرد در درون خود جایگاهی برای ارزش‌های دینی و اجتماعی قائل است، بدیهی است در کنترل هیجانات هم موفق‌تر عمل می‌کند. برای مثال، روزه‌داری که در طول یک ماه، آن‌هم در روزهای گرم و بلند تابستان رنج گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کند، پرهیز از انجام اعمال غیر ضروری که عواقب آن قابل پیش‌بینی است، برایش بسیار ساده‌تر می‌نماید.

تقید به ارزش‌های دینی، در وجود فرد چارچوب محدودی تعریف می‌کند که در آن برای انجام دادن و انجام ندادن هر عملی جایگاه خاصی وجود دارد. دین، خصوصاً عبادت، همان‌طور که به زندگی فرد آهنگ منظمی از فعالیت‌های فردی- اجتماعی می‌بخشد، همان‌طور هم می‌تواند به‌سرعت نتایج اعمال خلاف هنجارهای فردی و اجتماعی را برایش بیش از پیش روشن و مشخص سازد.

حضور نیروی خارق‌العاده و بی‌انتهای زندگی و ذهن فرد به‌عنوان آفریدگار، به وی اطمینان می‌دهد که زندگی هدفدار است و هیچ چیز عبث و بی‌پهوده آفریده نشده است. این نگرش به فرد انگیزه و امید به آینده می‌دهد و وی را در رسیدن به ارزش‌های دیگری چون پیشرفت، کارسازنده، همدردی، و مسئولیت‌پذیری یاری می‌دهد. در نهایت هم به فرایند هدفمند بودن در طول زندگی می‌رسد که ثمره جدی آن، مشارکت و ایفای نقش سازنده در فعالیت‌های اجتماعی است.

بدین ترتیب می‌تواند به‌عنوان عاملی بازدارنده، مشارکت‌کننده و مداخله‌گر، و نیروی امدادگر به فرد و جامعه کمک موثری داشته باشد. «تامیدی» و «بن‌بست» واژه‌هایی رایج در میان افراد معتاد یا آن‌ها هستند که در آستانه اعتیاد



قرار دارند. در معنویت و وابستگی به یک کانون قدرت بی‌منتها چون خداوند، دیگر این واژه‌ها معنا و جایگاهی ندارند. «نقطه صفر»، و «نقطه کور» یا «نقطه آخر»، در روح و روان انسان متکی به قدرت الهی بی‌مفهوم است. دعا و نیایش گشایشگر روزه‌های امید در بدترین حالات و لحظات زندگی بشر است. چنین فردی به دلیل اعتقاد قلبی به فرج و گشایش در لحظات بحرانی، هرگز به رسیدن به نقطه آخر و ناامیدی فکر نمی‌کند و همیشه دست خداوند را برای کمک گرفتن برای خودش آماده می‌بیند. چنانچه در قرآن کریم آمده است: «لا بذكر الله تطمئن القلوب». به یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. آرامش‌بخشی و ایجاد کنترل درونی یکی از ثمرات آموزه‌های دینی در فرد است. کنترل درونی همان‌طور که می‌تواند در گرمای طاقت‌فرسای تابستان، در خلوت هم او را از خوردن و نوشیدن باز دارد، می‌تواند او را از آسیب‌های اعتیاد هم حفظ کند؛ به شرط اینکه کنترل‌کننده بیرونی به یک مهارکننده درونی تبدیل شود.

در جامعه مذهبی است، می‌توان با استفاده درست از آموزه‌های دینی (و نه ابزاری)، از آنها به عنوان مؤلفه‌ای مفید برای رسیدن به کمال استفاده کرد

در جامعه امروز ما که یک جامعه مذهبی است، می‌توان با استفاده درست از آموزه‌های دینی، از آنها به عنوان مؤلفه‌ای مفید برای رسیدن به کمال استفاده کرد. مهم این است که این آموزه‌ها باید ماهیتی درونی داشته باشند، زیرا در غیر این صورت نه تنها دیگر عامل پیشگیری نخواهند بود، بلکه به‌عنوان عاملی محدودیت‌ساز باعث ایجاد واکنش منفی در

فرد و جامعه می‌شوند. برای مثال، فردی ممکن است چند روز بنا به ضرورتی از منزل خارج نشود، اما همین که به وی بگوییم امروز حق نداری از منزل خارج شوی، این حالت تحمیلی و دستوری در او نوعی واکنش منفی به وجود می‌آورد که در روند اصلاح و بهبودی اختلال ایجاد می‌کند. یا اینکه با تحکم عنوان کنیم که تو حق نداری نزدیک مواد مخدر شوی. در حالی که راه عقلانی آن است که آموزه‌های متعالی دینی را به فرد نشان دهیم و خطرات، ناهنجاری‌ها و عواقب نامطلوب اعتیاد را برایش روشن کنیم تا خودش موفق شود، این ارزش‌ها را درونی کند.

نقش ما باید نقشی زمینه‌ساز و تشویق‌کننده برای افراد در معرض آسیب‌های اعتیاد باشد و به‌شدت از برخوردهای دستوری و تحکمی بپرهیزیم که این راه محکوم به شکست است. لازمه این نقش‌آفرینی، تسلط کامل بر حوزه‌های متفاوت اثر گذار مذهب جهت پیشگیری از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی نظیر اعتیاد است که در این صورت می‌تواند در کنترل رفتار فردی و خودمهارگری اثر نیرومندی داشته باشد و با متقاعدسازی فرد، انگیزش درونی او را تثبیت کند. در این میان، یکی از بهترین گزینه‌ها برای این امر استفاده از ظرفیت مبلغان دینی، روحانیون و مراجع دینی است.

منابع
۱. قرآن کریم.

۲. رنجبر، احسان (۱۳۹۲). نقش دین در پیشگیری و درمان اعتیاد. دانشگاه علوم بهزیستی، تهران.



تهدیدهای فضای مجازی از هیولای اعتیاد تا تصویر آسیب‌های اجتماعی در سینما و تلویزیون

آرش فهیم



که رسانه‌ها می‌توانند با جریان‌سازی دربارهٔ یک پدیده، به کاهش یا افزایش بروز آن پدیده کمک کنند. مثال بارز چنین اتفاقی دربارهٔ بستن کمربند ایمنی رخ داد. در حالی که تا ۱۵ سال قبل، بستن کمربند ایمنی توسط سرنشین‌های خودروها در کشورمان، امری غریب بود، امروزه با تبلیغات رسانه‌ای، به یک عادت پسندیده تبدیل شده است. با این حال، هنوز هم استفاده از سینما و تلویزیون، برای کاهش دادن معضلات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و با نگاه خوش بینانه می‌توان گفت که از این ظرفیت، به نحو شایسته و بایسته‌ای بهره برده نشده است.

هم از این رو، بازنمایی آسیب‌ها در یک فیلم یا سریال، صرفاً کمکی به زدودن معضلات اجتماعی و فرهنگی نمی‌کند. بلکه اگر این بازنمایی توأم با شناخت و هدف‌گیری درست

دوران ما که به عصر ارتباطات و اطلاعات معروف شده، دوران حاکمیت رسانه‌ها بر زندگی روزمرهٔ انسان‌هاست. کافی

است، اندکی در آنچه طی شبانه روز در زندگی

شخصی ما اتفاق می‌افتد، تأمل کنیم؛ روزها و شب‌های ما با رسانه‌ها می‌گذرد؛ تلفن همراه، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای، تلویزیون، موسیقی، روزنامه، مجله، رادیو و... بدون تردید، همهٔ این رسانه‌ها با کیفیت‌های مختلف و متضاد، روی کاربران و مخاطب‌های خود تأثیر می‌گذارند. جرج گرینر، از نظریه پردازان علم ارتباطات، با ابداع «نظریهٔ کاشت»^۱ اثبات کرد که رسانه‌ها بر ذهن و کردار مخاطب‌های خود تأثیر - مثبت یا منفی - می‌گذارند.

یکی از کارکردهای رسانه‌ها - به‌ویژه سینما و تلویزیون - پرداختن به آسیب‌های اجتماعی است. تجربه نشان داده است

نباشد، ممکن است به نتیجه معکوسی منتهی شود.

با این حال، معدود آثاری هم - به خصوص در تلویزیون - با هدف هشدار دادن به مردم درباره ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی تولید شده و به نمایش درآمده است. در این سلسله مطالب به بررسی برخی از شاخص‌ترین فیلم‌ها و سریال‌ها در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی، با تمرکز بر نوجوانان و فضای مدرسه پرداخته می‌شود.

مصدق بارز آسیب‌زایی

سینمای ایران، حدود یکصد سال قدمت دارد. دستگاه «سینماتوگراف» (دستگاه اولیه پخش فیلم) در سال ۱۲۷۹ توسط مظفرالدین شاه وارد ایران شد. اما نخستین فیلم در ایران، ۳۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۰۹ با نام «آبی و رابی» به کارگردانی اوانس اوگانیانس به تولید رسید. از همان زمان تاکنون، هنر هفت‌بدون هیچ‌گونه توقفی همواره در ایران به فعالیت خود ادامه داده است. پرداختن به آسیب‌های اجتماعی نیز از همان ابتدا در فیلم‌های ایرانی رایج بود. با این حال، سینمای قبل از انقلاب، بیش از آنکه به آسیب‌زدایی کمک کنند، خودش آسیب‌زا بود.

مضمون فیلم‌های سینمای ایران تا سال ۱۳۵۷ به محورهایی چون جاهل بازی، کافه و کاپاره، و روابط غیر اخلاقی بین آدم‌ها محدود می‌شد. البته تنها معضل اجتماعی و فرهنگی هم که در سینمای آن دوران مورد توجه قرار می‌گرفت، اعتیاد بود. در پاره‌ای از فیلم‌های آن مقطع از تاریخ سینمای کشورمان، اعتیاد و زندگی معتادها به تصویر کشیده شد، اما اغلب این فیلم‌ها بیش از آنکه به عواقب منفی مصرف مواد مخدر بپردازند، تصویری لذت بخش از اعتیاد را نمایش می‌دادند. به همین دلیل هم اساساً فیلم‌های ایرانی تا قبل از انقلاب نمی‌توانند الگوهای مناسبی در زمینه آسیب‌شناسی و پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی باشند.

شروع یک دوره تازه

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷، سینمای ایران نیز از زیر آوار ابتذال و بی‌اخلاقی نجات یافت. دم مسیحایی امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم»، نقطه عطفی در تاریخ سینمای کشورمان شد. هر چند که هنر هفتم در ایران پس از انقلاب با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده اما روی هم رفته، فضای اخلاقی عرصه فرهنگ پس

از انقلاب، فیلم‌های ۳۵ سال اخیر را به وضعیت بهتر و پاکیزه‌تری هدایت کرده است.

اتفاقاً در همان سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب نیز تعداد زیادی فیلم درباره آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ساخته شد. فقر و بی‌عدالتی، ظلم، پرهیز از فساد، باتلاق اعتیاد به مواد مخدر، و... از مضامین فیلم‌های اجتماعی سینمای نخستین سال‌های پس از انقلاب بودند. در این میان، تلویزیون وضعیت بهتری پیدا کرد. در آن زمان با اینکه تنها دو شبکه تلویزیونی، آن هم با زمان پخش بسیار محدود فعالیت می‌کردند و کیفیت هنری و تکنیکی برنامه‌ها نیز پایین بود، اما محتوای اغلب آثار تلویزیونی، اخلاق‌گرایانه و مفید بود.

نخستین سریال درباره آسیب‌های دانش‌آموزی

اولین سریال تلویزیونی با رویکرد آسیب‌شناسی در فضای مدرسه، مجموعه «بازم مدرسه‌ام دیر شد» بود. این سریال خاطره‌انگیز، در سال ۱۳۶۲ به کارگردانی حسین افضهی و با هنرنمایی اکبر عبدی تولید شد و به نمایش درآمد. «بازم مدرسه‌ام دیر شد» دارای یک محور داستانی ثابت بود. پسر بچه‌ای به نام محسن (با بازی اکبر عبدی) هر روز دیر به مدرسه‌اش می‌رسید. هر بار هم برای این تأخیر، بهانه‌ای می‌تراشید. او دانش‌آموز تنبل و بی‌نظمی بود که هم برای معلم و مدرسه‌اش دردسر ساز می‌شد و هم برای پدر و مادرش. البته، محسن همیشه همین گونه باقی نمی‌ماند و در آخرین قسمت، دست از شیطنت‌ها و تنبلی‌های خود بر می‌دارد و به دانش‌آموزی منظم و خوب تبدیل می‌شود. «بازم مدرسه‌ام دیر شد» در شرایط و دورانی ساخته و به نمایش درآمد که بچه‌های ایرانی با تهدیدها و خطرات امروز مواجه نبودند. انقلاب اسلامی تازه به پیروزی رسیده بود و جنگ تحمیلی در گرفته بود. اکثر جوانان و نوجوانان بیش از هر چیزی دغدغه جبهه و جنگ را داشتند. خیلی‌ها دوست داشتند به جبهه بروند و می‌رفتند

و آن‌هایی هم که نمی‌رفتند، تحت تأثیر فرهنگ ارزشی دفاع مقدس بودند. در آن شرایط، نه اثری از ماهواره بود، نه اینترنت و نه تلفن همراه. فضای جامعه هم به گونه‌ای بود که نوجوانان کمتر به دنبال سیگار و مواد مخدر می‌رفتند. به همین دلیل، مهم‌ترین معضل از ناحیه کودکان و نوجوانان در آن دوران، بی‌نظمی در تحصیل بود. دیر رسیدن یا فرار از مدرسه، سهل‌انگاری در انجام تکالیف و تنبلی در تحصیل، از جمله آسیب‌هایی بود که کودکان و نوجوانان ایرانی را در آن دوران تهدید می‌کرد. سریال «بازم مدرسه‌ام دیر شد» هم دقیقاً در حال بازنمایی بخشی از فضای

در همان سال‌های نخست پس از

پیروزی انقلاب نیز تعداد زیادی

فیلم درباره آسیب‌های اجتماعی

و فرهنگی ساخته شد. فقر و

بی‌عدالتی، ظلم، پرهیز از فساد،

باتلاق اعتیاد به مواد مخدر، و...

از مضامین فیلم‌های اجتماعی

سینمای نخستین سال‌های پس از

انقلاب بودند

اجتماعی همان دوران است. این سریال با اینکه مضمون و خط داستانی بسیار ساده‌ای دارد، اما به خاطر نزدیک شدن به زندگی روزمره مردم و همچنین طنز شیرین و خودمانی آن، به خصوص با شیرین کاری‌های اکبر عبدی در نقش یک بچه مدرسه‌ای با رفتارهای شیطنت‌آمیز، خیلی به دل مردم نشست و به یکی از برنامه‌های ماندگار و به یادماندنی تلویزیون تبدیل شد.

هیولا وارد می‌شود!

گفتمیم که یکی از قدیمی‌ترین مضامین در سینما و تلویزیون که قبل از انقلاب هم حضور پررنگی داشت، اعتیاد بود. این سوژه در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی بعد از انقلاب با گرایش انسانی و آسیب‌شناسی بیشتری مطرح شد. به طوری که دهه‌ها فیلم‌سینمایی و سریال با محوریت اعتیاد یا قاچاق مواد مخدر به تولید رسید. در تلویزیون، نخستین سریالی که به طور جدی به این معضل توجه کرد، سریال «آینه عبرت» بود؛ سریالی که با محوریت شخصیتی به نام اتقی در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بین مردم مشهور شد. ساخت فیلم درباره اعتیاد در سینما بیشتر از تلویزیون بوده است. از جمله فیلم‌هایی که در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب درباره این موضوع تولید شد، می‌توان به «شب‌شکن»، «بی‌پناه»، «دبیرستان»، «خانه ابری»، «تبغ و ابریشم» و... اشاره کرد؛ فیلم‌هایی که عواقب مصرف مواد مخدر و به ویژه تأثیر منفی آن را بر خانواده‌ها نمایش می‌دادند.

در این میان، فیلم «دبیرستان» به هجوم هیولای اعتیاد به مدارس و رواج مصرف مواد مخدر در میان نوجوانان می‌پرداخت.

این فیلم در سال ۱۳۶۵ به کارگردانی علی صادقی ساخته شد و در آن بازیگرانی چون بیژن امکانیان و افسانه بایگان نقش‌آفرینی می‌کردند. خلاصه داستان فیلم «دبیرستان» به این شرح است که علی ناصری، دبیر زیست‌شناسی، که به تازگی ترک اعتیاد کرده، پس از سه سال به زادگاهش باز می‌گردد و به دلیل سابقه خوب پدرش به کار باز گردانده می‌شود. او در کلاس از جیب محصلی به نام مسعود

که عامل فروش مواد مخدر به دانش‌آموزان است، یک بسته هروئین به دست می‌آورد. مسعود می‌گریزد. ناصری در تعقیب مسعود با خواهر او، نازنین، که معتاد است و پدرش، که اختلال حواس دارد، روبه‌رو می‌شود. نازنین در نتیجه فشار روحی، خود و پدرش را در آتش می‌سوزاند. ناصری گروهی از دانش‌آموزان را با خود همراه می‌کند و عاملان توزیع مواد مخدر را به دام می‌اندازد و مسعود را از اعتیاد نجات می‌دهد.

«دبیرستان» فیلم چندان خوش ساخت و زیبایی نیست، اما چون لقب اولین فیلم درباره اعتیاد دانش‌آموزان و نوجوانان را دارد، حائز اهمیت است. این فیلم نشان می‌دهد که فضای

ناراحت و فاسد خانواده تا چه حد می‌تواند روی بچه‌ها تأثیر منفی بگذارد؛ همچنان که نوجوان مواد فروش فیلم، خانواده‌اش نیز معتاد هستند. با این حال، این هم در فیلم می‌بینیم که یک معلم با اخلاق و دارای انگیزه‌های والای انسانی می‌تواند به نجات شاگردان خودش بیاید.

یک تهدید جدید

اگر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مواد مخدر، سیگار و قلیان به عنوان مهم‌ترین تهدیدها برای نسل جوان و نوجوان در ایران شناخته می‌شدند، در سال‌های اخیر ورود فناوری‌های جدید و به‌ویژه اینترنت هم به این تهدیدها افزوده شده است. ابزار رایانه‌ای، با داشتن سودمندی‌های فراوان و سهولت در عملی ساختن بسیاری از امور، اما به خاطر سرعت آن در دسترسی به همه‌جور اطلاعات، تهدیدها و خطراتی را هم در پی داشته است. این خطرات تنها به جامعه ما محدود نمی‌شود. حتی در کشورهای غربی هم که خودشان مخترع این وسائل بوده‌اند و به ظاهر، شرایطی کاملاً آزاد را برای استفاده عموم از اینترنت و فضای مجازی فراهم کرده‌اند، محدودیت‌ها و قوانینی اعمال می‌شود. با این تفاوت عمده که در کشورهای پیشرفته از نظر صنعتی، خود خانواده‌ها سعی می‌کنند که بر دسترسی فرزندان‌شان بر رایانه فیلتر گذاری کنند و از طریق نظارت صحیح، مانع از استفاده منفی کودکان و نوجوانان از فضای مجازی شوند.

مهم‌ترین اثر تلویزیونی با رویکرد آسیب‌شناسی رایانه و فضای مجازی مجموعه «هوش سیاه» بود؛ سریالی که طی دو مجموعه به کارگردانی مسعود آب‌پرور از شبکه سه سیما به نمایش درآمد. آب‌پرور قبل از ساخت این دو مجموعه، یک فیلم سینمایی با عنوان «قتل آنلاین» ساخت که درامی دلهره‌آور درباره خطرات اینترنت بود. ساخت همین فیلم، مقدمه‌ای شد برای تولید سریالی با مضمون مشابه و البته در قالبی پلیسی و معمایی.

مجموعه نخست سریال هوش سیاه در سال ۱۳۸۹ روی آنتن رفت. این اولین بار بود که در یک سریال پلیسی به جرم و جنایت در فضای مجازی پرداخته می‌شد. داستان سریال هوش سیاه درباره سرگرد احمدی (حسین یاری) معاون اداره پیشگیری از جرائم رایانه‌ای است. او با یک پرونده پیچیده و سخت مواجه می‌شود. جمشید کاظمی، مشهور به کامران بوریایی، فردی باهوش و توانا در زمینه رایانه و فضای مجازی است و از این طریق قصد انجام خرابکاری و دزدی دارد. در اینجا پای خانواده و پسر نوجوان سرگرد احمدی هم وسط کشیده می‌شود. در این سریال می‌بینیم که حتی این فرمانده باهوش پلیس هم، اگر بر استفاده فرزندش از رایانه نظارتی نداشته باشد، موجب به خطر افتادن زندگی او می‌شود.

اگر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مواد مخدر، سیگار و قلیان به عنوان مهم‌ترین تهدیدها برای نسل جوان و نوجوان در ایران شناخته می‌شدند، در سال‌های اخیر ورود فناوری‌های جدید و به‌ویژه اینترنت هم به این تهدیدها افزوده شده است



و پیچیدگی بیشتری با او به
مقابله می‌پردازند.

مسعود آب‌پرور، کارگردان

این سریال دربارهٔ آن گفته بود: «این قصه جنبهٔ نمادین هم دارد. من هوش سیاه را نوعی ویروس می‌دانم. این یک پدیده زادهٔ فناوری نوین است که اگر مواظبت نکنیم، می‌تواند هستی ما را به یغما ببرد؛ هستی فردی، اجتماعی و ملی. حالا باید راهکار مقابله با این موجود را پیدا کنیم... کارمان به عنوان نمایندهٔ این فناوری یا ویروسی که توی دیتای بزرگ یک کشور یا یک خانواده افتاده، هر قدر جلوتر می‌آییم، خسارت‌های بیشتری به بار می‌آورد که این باعث می‌شود مرحله به مرحله علاقه‌مندی‌هایش ریزش کنند. او برای رسیدن به هدف هر کسی را وسیله می‌کند، آدم می‌کشد، و... این جزء رویکردهای تبلیغاتی ماست که باید در قالب جذاب و کاملاً نمایشی ارائه شود» (در گفت و گو با روزنامهٔ کیهان، ۱۰/۰۴/۱۳۹۲).

سریال «سیگنال وارونه» نیز با مضمونی شبیه به «هوش سیاه» ساخته شده است. این سریال به کارگردانی کرامت پورشه‌سواری، راه «هوش سیاه» را در شبکهٔ یک ادامه داد؛ سریالی که علاوه بر محتوای افشاگرانه و آگاهی بخش آن دربارهٔ جنایات اینترنتی، با فرم استاندارد و چشم نواز و همچنین ضرباهنگ خوش آهنگ خودش، مخاطب را غافل گیر کرد. «سیگنال وارونه» به خوبی نشان می‌دهد که دشمنان جامعهٔ ایران و گروه‌های خرابکار، چگونه با تسلط بر این ابزار نوین، واقعیت‌ها را وارونه نشان می‌دهند و نسل جوان و نوجوان را فریب می‌دهند.

به هر حال، اینترنت دنیای جدیدی است که طی یک دههٔ گذشته، ابعاد تازه‌ای را به روی زندگی بشر گشوده است. متعاقب این موضوع، سینما و تلویزیون مغرب زمین نیز به عنوان آینه‌های بازنمایی وضع کنونی جامعهٔ انسانی،

در قالب فیلم و سریال به تأثیرات مختلف این فضای مجازی و ابزار نوین بر حیات آدمی می‌پردازند. فیلم «شبکهٔ اجتماعی» به کارگردانی دیوید فینچر یکی از این آثار است که به این پدیده توجه کرده. متأسفانه در سینما و تلویزیون ما به جز موارد ذکر شده، آثار قابل توجه دیگری دربارهٔ عواقب منفی استفاده نادرست از فضای مجازی و اینترنت ساخته نشده است. این در حالی است که اهمیت این موضوع به قدری است که حداقل سالی یک فیلم و یا سریال با رویکرد آسیب‌شناختی و آموزشی باید به نمایش در بیاید.

به طوری که لپ تاپش را با آن همه اطلاعات
محرمانه در دسترس پسر نوجوانش - سهیل - قرار
می‌دهد و او هم فریب کامران را می‌خورد و به دام او
می‌افتد.

کامران بوریایی یا همان هوش سیاه، یک «بدمن»
تفرانگیز و احمق نیست، بلکه نابغه و فردی باسواد و هوشیار
است. نکتهٔ جالب توجه، ماجرای دوستی او با فرزند سرگرد
احمدی، سهیل است که نشان از هوشمندی تولیدکنندگان
سریال دارد. سهیل از تبهکار بودن هوش سیاه اطلاعی ندارد و
می‌پندارد که او فردی تحصیل کرده و محترم است. به این ترتیب،
در این سریال بدون هیچ گونه صدور بیانیه یا شعار دادن، نفوذ
جریان‌ات ناسالم در میان مردم ترسیم شده است. همان جریان‌اتی
که مهره‌هایش به عنوان افرادی «تحصیل کرده» و «محترم» به
فریب آدم‌های ناآگاه و بی‌اطلاع می‌پردازند؛ دشمنانی که در
لباس دوست ظاهر می‌شوند تا با استثمار انسان‌ها به اهداف پلید
خودشان برسند. از طرف دیگر، این سریال به خوبی از خطرات
مسیر بین خانه و مدرسه پرده برمی‌دارد. به طوری که می‌بینیم،
شخصیت نوجوان این سریال، از یک سو به خاطر عدم نظارت
درست پدر و مادرش بر دسترسی او به رایانه
آسیب می‌بیند، و از سوی دیگر در بین راه
مدرسه تا خانه - یا برعکس - با خطراتی مواجه
می‌شود.

سینما و تلویزیون مغرب زمین نیز به عنوان آینه‌های بازنمایی وضع کنونی جامعهٔ انسانی، در قالب فیلم و سریال به تأثیرات مختلف این فضای مجازی و ابزار نوین بر حیات آدمی می‌پردازند

در این مجموعه، علاوه بر داستان محوری
که از اولین تا آخرین قسمت درگیر آن
می‌شویم، در هر قسمت نیز داستانی با موضوعی
مجزا روایت می‌شود. گویی تمام موضوعات
فرعی که در هر قسمت (و یا بعضاً هر دو قسمت)
 مطرح می‌شوند، در واقع شاخه یا زیر مجموعه‌ای
از موضوع کلی است. انکار که مسائلی نظیر

دوستی‌های نامتعارف اینترنتی، هک کردن سایت‌ها، انتشار
غیرقانونی نرم‌افزارها، فعالیت شرکت‌های هرمی و... که به عنوان
موضوعات فرعی طرح می‌شوند، زیر مجموعهٔ فعالیت‌های کامران
بوریایی هستند.

«هوش سیاه ۲» نیز در سال ۱۳۹۲ و با پرداختن به مضامین
مشابهی پخش شد. منتها این بار، ماجرای اصلی را فرار کامران
بوریایی از زندان تشکیل می‌دهد. او پس از گریختن از زندان،
باز هم به امور خرابکاری می‌پردازد و این بار سرگرد احمدی
و نیروهایش در پلیس پیشگیری از جرائم رایانه‌ای با دشواری

پی‌نوشت
1. Cultivation
Theory

چگونه نه بگوییم؟ یاد بگیریم و یاد دهیم

اکبر قره‌داغی



● راه جدیدی پیدا کنیم!

هر کاری که شما انجام داده‌اید، به صورت یک بایگانی یا پیشینه ذهنی در وجود شماست. یکی از راهکارهای رسیدن به ثبات رأی و پافشاری بر هدف، شکستن این بایگانی‌های کهنه است. تلاش شما سبب تغییر مسیر در جاهای دیگر می‌شود. پس بی‌اعتنا به محرک‌های بیرونی و ابراز خشم، مصمم و با قدرت در مورد هدف‌تان تصمیم بگیرید و از آن دفاع کنید. در این راه مهم نیست که چه قدر خودتان را وادار به تکرار خواهید کرد.

● با قدرت نه بگوییم!

اولین گام قدرت نه! گفتن است. شما باید یاد بگیرید که در مقابل خواسته‌های غیرمعقول دیگران که از نظر شما ارزشی ندارند، قاطعانه کلمه «نه» یا «نمی‌توانم» یا «انجام نمی‌دهم» را بگویید و آن‌ها را انجام ندهید.

● از اتهام نترسیم

در راه رسیدن به خواسته‌های منطقی خود، از اتهاماتی که ممکن

خیلی مهم است که بزرگ‌ترها در مواقع مناسب بتوانند نه بگویند، اما این موضوع برای دانش‌آموزان هم کم‌اهمیت نیست. آنچه در این نوشته می‌خوانید راهکارهایی است که می‌تواند به همه نشان دهد، در چه مواقعی و چگونه در مقابل درخواست‌های غیرمنطقی و آسیب‌زا نه بگویند.

● مقاوم باشیم!

اگر شما هدفی معین داشته باشید، مقاومت و ایستادگی در راه رسیدن به آن می‌تواند ابزاری برای رسیدن به هدف مورد نظر شما باشد. بنابراین، اگر شخصی بخواهد شما را از رسیدن به هدف‌تان باز دارد، به راحتی می‌توانید در مقابل او مقاومت کنید. اینکه شما بتوانید بر نیازهای خود پافشاری کنید هنر است.

مقاومت بر خواسته‌ها باعث می‌شود که دیگران به وضوح پی ببرند که شما چه خواسته‌هایی دارید. ثبات رأی به شما کمک می‌کند، در مقابل تحمیل خواسته‌های دیگران به خودتان، مقاومت کنید.

است دیگران به شما بزنند، نترسید. امکان دارد برای اینکه دیگران بخواهند شما را در کارهایشان شریک کنند، به شما هر نوع اتهامی بزنند. اما اگر شما با دید باز و آگاهی کامل هدف خود را انتخاب کرده‌اید، از این برچسب‌ها هراس نداشته باشید. مطمئن باشید با تلاش در تداوم پیگیری هدفتان موفق خواهید بود.

● با اراده باشیم

با اراده و آگاهی تصمیمات خود را اجرا کنید و جداً از هر نوع خشم بپرهیزید. خشم عاملی مخرب است که شما را از رفتار درست باز می‌دارد. این موضوع روشن و واضح است که دیگران برای اینکه شما را با خود هماهنگ کنند، از هر راهی استفاده می‌کنند. حتی ذهن شما را آشفته و مضطرب می‌کنند. پس مراقب باشید و رفتار خود را کنترل کنید، زیرا هنگام خشمگین شدن قدرت تصمیم‌گیری صحیح از شما سلب می‌شود.

● عاقلانه سازش کنیم!

همواره به طرف جلو گام بردارید. به‌خاطر داشته باشید که سازش عاقلانه و منطقی با دیگران در برخی موارد بسیار کارساز است. تنها در مواردی

سازش کنید که با طرف مقابل کاملاً یا تا حدودی هم‌نظر باشید. شما می‌توانید با صحبت کردن بسنجید چه قدر نظر او با شما مطابقت دارد و آیا خواسته او منطقی و عاقلانه و از نظر شما پسندیده است؟ لازم نیست کورکورانه هر چه دوست شما خواست، آن را بپذیرید. شما حق انتخاب دارید. اگر به ثبات رأی رسیده باشید، می‌توانید پیشنهاد او را بپذیرید و یا رد کنید.

● با صبوری و متانت نه بگوییم

در مقابل رد یا قبول پیشنهادهای دیگران همواره تمرکز داشته باشید. هنگامی که در این مسیر برخوردی برای شما پیش آمد، با متانت و صبوری در پی حل مشکل برآیید و هرگز از مشکلات فرار نکنید.

● زیاده‌روی نکنیم!

همواره آرامش خود را حفظ کنید. متین، صبور و مؤدب باشید. آگاه باشید که خشم راهی است برای فرار از مشکلات و دشواری‌ها. پس هرگز خشم خود را آشکار نکنید. همیشه لبخند بزنید و اخم نکنید. همچنین از زیاده‌روی بپرهیزید.

● خطر دوستان ناباب را دست کم نگیریم!

معمولاً دانش‌آموزان در سنین حساس بلوغ گرایش بیشتر و پایدارتری به دوستان و همکلاسی‌های خود پیدا می‌کنند و برای آنان جایگاه مهمی در زندگی خود قائل هستند. به همین دلیل خیلی مهم است که دوستان فرزندانمان را بشناسیم. چه بسا دانش‌آموزانی که از طریق دوستان خود معتاد شده‌اند. اگر والدین دانش‌آموزان دوستان فرزندان خود را نشناسند نخواهند توانست از محل و زمان و مکان رفت و آمد فرزندان خود مطلع شوند و همین موضوع باعث خواهد شد، اگر انحرافی برای دانش‌آموز پیش آید او نیز با راحتی خیال بیشتری به کار خود ادامه دهد. برای این منظور می‌توان زمینه‌ای را فراهم کرد تا فرزندان ما دوستان خود را به خانه بیاورند و ما بتوانیم ضمن آشنایی با دوستان آنان در صورت وجود خطر و انحراف به موقع به کمک آن‌ها برویم. حتی اگر لازم باشد می‌توانیم از فرزند خودمان بخواهیم ما را با خانواده دوستانش هم آشنا کند. یک گفتگوی تلفنی کوتاه، ملاقات با خانواده دوست فرزندانمان که در محله

برگزاری جلسات با اولیاء دانش‌آموزان در قالب جلسات انجمن اولیاء و مربیان یا جلسات اختصاصی با والدین دانش‌آموزان یکی از روش‌های مؤثر برای مراقبت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های احتمالی اجتماعی و گاه فرهنگی است که در کمین آنان نشسته است. داشتن دستور جلسه مشخص با توصیه‌های روشن کمک خواهد کرد تا این جلسات تبدیل به کلاس درسی مؤثر و صمیمی برای خانواده‌ها شود. در ادامه این جلسات می‌توان با نظر خواهی از والدین از تجربیات و اندوخته‌های زیسته آنان هم بهره برد و با ایجاد فضای مشارکت و همدلی زمینه استفاده بیشتری از این گونه جلسات برد.

توصیه‌های زیر که می‌تواند در مورد آشنایی با نحوه پیشگیری از اعتیاد مورد استفاده قرار گیرد، حاصل تجربه سال‌ها معلمی و مدیریت در سطوح مختلف آموزش و پرورش به‌خصوص در سطح مدرسه و گفت‌وگو پیرامون این معضل آسیب آفرین با متخصصان امر و صاحب‌نظران این حوزه است که می‌تواند دستور جلسه مؤثر و کارآمدی برای این گونه جلسات باشد.

با فرزندانمان باشیم تا دچار رفتار پرخطر نشوند!

توصیه‌هایی ساده برای جلسات کارکنان مدارس با والدین
کامران حسینی



نزدیک ما زندگی می‌کند و یا یک دیدار خانوادگی در پارک کمک خواهد کرد تا ما نظارت درست، اصولی و سازنده‌ای بر رفتار و اعمال فرزند خود داشته باشیم و از خطرات احتمالی که ممکن است در اثر بی‌توجهی ما آینده او را تهدید کند، پیشگیری کنیم.

● دوستی عمیق با فرزندان لازمه موفقیت آنان است!

باید به والدین یادآوری کنیم که دوستی عمیق با فرزندان می‌تواند آنان را از خطرات احتمالی گرایش به مواد مخدر مصون دارد. پیدا کردن آرامش، داشتن تکیه گاه در زندگی و خود را به دیگری که دوستشان داریم متعلق دانستن، اثر مهمی در تکوین شخصیت فرد و مسئولیت‌پذیری فرد دارد و باعث خواهد شد به تقاضاهای دوستان ناباب خود در زمینه استعمال دخانیات و مواد اعتیادآور نه بگوید. گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم که فرزندان ما از برخی بزرگترهای

خود مانند دایی، خاله، عمو و... حرف شنوی بیشتری دارند و معمولاً حرف آنان را راحت‌تر می‌پذیرند و به آن عمل می‌کنند. یک ویژگی مشترک چنین تعلق خاطر پیوند عمیق قلبی و عاطفی با آنان است. والدین باید تلاش کنند این پیوند قلبی عمیق و مؤثر بین آنان و فرزندان برقرار شود. محیط خانواده باید به گونه‌ای باشد که پدر و مادر در طول شبانه‌روز ساعاتی را به فرزندان خود اختصاص دهند و با انجام اموری مشترک مثل: مطالعه، فیلم دیدن با همدیگر، بازی و تفریح با فرزندان و یا هم‌کلامی با آنان لحظاتی را فراغ از کار و گرفتاری روزمره در خدمت فرزندان خود باشند. چنین فرزندی که عشق و علاقه عمیق و پایدار والدین خود را تجربه می‌کند، بیش از سایر دانش‌آموزان از خطر و آسیب‌های ناشی از اعتیاد به مواد مخدر مصون خواهند بود.

● از رفتارهای پر خطر و نحوه مراقبت از خود برایشان حرف بزنیم!

فراموش نکنیم که دانش‌آموزان و فرزندان ما خیلی زود درباره مواد مخدر، اعتیاد و مصادیق آن حرف‌های خیلی زیادی خواهند شنید. به والدین توصیه کنیم با فرزندان خود در مورد رفتارهای پر خطر صحبت کنند. (برای تأثیر بیشتر این توصیه می‌توانیم ابتدا خانواده‌ها و والدین را با این موضوعات بیشتر

آشنا کنیم و شیوه‌های سخن گفتن در مورد مواد مخدر و اعتیاد را به آنان بیاموزیم). به والدین دانش‌آموزان یادآوری کنیم که بسیاری از خانواده‌ها به دلیل ترس از پاره شدن پرده‌های ارتباطی بین خود و فرزندان از صحبت در این خصوص ابا دارند و متأسفانه گاهی اوقات کلانتری محل، دادگاه، محل‌های نزاع و درگیری و دیگر مکان‌های این چنینی اولین جایی است که مجبور می‌شوند در وضعیتی نامناسب و موقعیتی از دست رفته با فرزندان خود صحبت کنند. به آن‌ها یادآوری کنیم که یک انتخاب آگاهانه و به موقع برای صحبت در مورد مواد مخدر، خطرات آن و موقعیت‌هایی که ممکن است فرزندان آنان را گرفتار کند، بهتر از منتظر ماندن و به امید شانس و اقبال نشستن است. نگذاریم فرزندان ما حرف‌های فریبنده و گول زننده و یا همراه با مطامع مادی و انحرافی را از زبان دوستان ناباب و یا بزرگترهای طماع و افسونگر بشنوند. حتماً دانستن و آگاهی از خطرات و دام‌های پهن شده در زمینه مواد مخدر به فرزندان ما کمک خواهد کرد در برابر خطرات و وسوسه‌های احتمالی مقاومت و موفقیت بیشتری داشته باشند.

اعتقادات مذهبی، مقید بودن والدین به انجام فرائض دینی و عبادی و ایجاد فضایی دوست داشتنی برای گرایش به انجام آموزه‌های عبادی می‌تواند فرزندان ما را افرادی مقید، مؤمن و با باورهای مذهبی و دینی پایدار بار آورد

● با فرزندان ورزش کنید!

شاید درگام اول، رابطه روشنی بین ورزش و عدم گرایش به مواد مخدر و افتادن در دام اعتیاد به نظر تان نرسد. اما خیلی مهم است که بدانیم انجام فعالیت‌های ورزشی در کنار فرزندان می‌تواند به فراهم آمدن محیطی صمیمی و آرامش بخش کمک کند. انجام فعالیت‌های ورزشی به خودی خود مفید و مؤثر هستند و هنگامی که بچه‌ها با والدین خود ورزش می‌کنند این تأثیر و اثربخشی چندین برابر خواهد شد. رفتن به یک استخر و انجام ورزش لذت‌بخش شنا، بازی گل کوچک در فضای پارک، انجام ورزش‌های سبک که انجام آن در محیط خانواده هم امکان‌پذیر است، یک کوه‌پیمایی سبک و شورانگیز، راه‌پیمایی در دل طبیعت زیبای ایران، یک دست‌پینگ‌پنگ و هر فعالیت ورزشی حتی غیر حرفه‌ای می‌تواند باعث ایجاد شوق و لذت و در عین حال سلامتی آفرین برای شما و فرزندان باشد. معمولاً دانش‌آموزان قوی و سالم که به طور مرتب و با برنامه ورزش می‌کنند و این فعالیت‌های سالم را در کنار والدین خود تجربه می‌کنند، گرایش و انگیزه کمتری به گرایش به سوی مواد مخدر و اعتیاد دارند. از سویی دیگر اگر ورزش و فعالیت‌های

ورزشی در برنامه والدین و فرزندان قرار گیرد، می تواند اوقات فراغت فرزندان را پر کند و در چنین وضعیتی زمان زیادی برای تلف کردن و احیاناً گرایش به سوی دوستان ناباب نخواهد بود.

ورزشی در برنامه والدین و فرزندان قرار گیرد، می تواند اوقات فراغت فرزندان را پر کند و در چنین وضعیتی زمان زیادی برای تلف کردن و احیاناً گرایش به سوی دوستان ناباب نخواهد بود.

● گردش و بازی فراموش نشود!

پایه های شخصیتی فرزندان ما در دوران کودکی گذاشته می شود و بازی و شادی و شور و سرزندگی لازمه زندگی کودک و بالیدن او به سوی رشد و بالندگی است. بازی و تفریح و گردش می تواند نقشی مهمی در تکوین شخصیت و شکل گرفتن مطلوب آن داشته باشد. زندگی ماشینی امروز و گرفتاری های والدین شاید فراغ و فرصت زیادی برای چنین فعالیت های باقی نمی گذارد، اما نباید فراموش کنیم که اگر به این موضوع مهم بی توجه باشیم، در آینده ای نزدیک ممکن است فرزندان ما جای این بازی و گردش های نرفته را در کنار دوستانی که ممکن است مثل ما دلسوز نباشند بگذرانند و به آسیب های کمین کرده مانند سیگار و قلیان و مواد مخدر بلی بگویند. از سویی دیگر گردش و تفریح و شادی می تواند فرصت هایی را برای دوستی بیشتر و نزدیکی بین فرزندان و خانواده ها پدید آورد که در جای خود غنیمت و ارزشمند است.

پایه های شخصیتی فرزندان ما در دوران کودکی گذاشته می شود و بازی و شادی و شور و سرزندگی لازمه زندگی کودک و بالیدن او به سوی رشد و بالندگی است

● مراقب زندگی دیجیتال باشیم!

فن آوری های نوین در کنار همه امکانات و فرصت هایی که برای مردمان این دوران پدید آورده اند، زمینه هایی برای غفلت و فردگرایی را نیز به دنبال داشته اند. وسایلی از قبیل تلفن همراه، رایانه، تبلت، لپ تاب و... امروزه جای خود را در زندگی همه افراد اعم از کودک تا کهنسال باز کرده اند و متأسفانه استفاده بدون نقشه و برنامه و دائم از آن می تواند تبدیل به آسیب جدی شود. مهم این است که اولیاء و بزرگترها مراقب باشند که استفاده مداوم و مکرر از این وسایل بخصوص در محیط خانواده می تواند فردگرایی را بین فرزندان آنان ترویج کرده و توانایی زندگی در محیط های واقعی را از فرزندان آنان بگیرد. متأسفانه باید گفت اگر دانش آموزی زندگی در محیط واقعی و حقیقی اجتماع را بلد نباشد، خطر گرایش او به مواد دخانی، مواد مخدر، اعتیادآور و روان گردان های صنعتی بیش از دیگران است و چنانچه چنین موقعیتی برای او فراهم شود می تواند برایش بسیار خطر آفرین باشد. نگذاریم زندگی دیجیتال فرصت زندگی واقعی را از فرزندانمان بگیرد.

● عبادت را برای فرزندان لذت بخش کنیم!

اعتقادات مذهبی، مقید بودن والدین به انجام فرائض دینی و عبادی و ایجاد فضایی دوست داشتنی برای گرایش به انجام آموزه های عبادی می تواند فرزندان ما را افرادی مقید، مؤمن و با باورهای مذهبی و دینی پایدار بار آورد. مهم ترین موضوع در این زمینه تعهد عملی و شوق آفرین والدین در محیط خانواده و بخصوص در وقت فضیلت اعمال دینی بخصوص انجام فریضه مهم نماز است.

تقید به مذهب و تقویت باورهای دینی می تواند نقش بسیار سازنده ای در جلوگیری از آسیب های اجتماعی و بخصوص اعتیاد داشته باشد. این باورها هنگامی می تواند مؤثر و پایدار باشد که والدین در عمل و بدون تظاهر بدان مبادرت ورزند و این اعمال را با علاقه قلبی و حضور دل انجام دهند. باورهای درونی و تقید به امور مذهبی می تواند فرزندان ما را در برابر وسوسه ها و آسیب های اجتماعی محافظت کند. بخصوص این که بتوانیم در فرصت های پیش آمده ضمن صحبت از مخاطرات و زیان های گرایش به مواد مخدر، با آگاهی و تسلط لازم از آموزه های دینی و توصیه های دین مبین اسلام نمونه هایی را برای آنان ذکر کنیم.

● برایشان کتاب بخوانیم!

کتاب و کتاب خوانی فعالیتی مفید و با ارزش است که می تواند به عنوان یک عادت خوب در تمامی ایام زندگی فرد تا پایان عمر اثرگذار باشد. آشنا کردن فرزندان با کتاب، نیازمند آشنایی والدین با این دوست بی ادعاست. این موضوع کمک خواهد کرد تا فرزندان ما علاوه بر کتاب های درسی، به مطالعه و خواندن نیز علاقه مند شوند و ضمن پر کردن اوقات فراغت خود نسبت به محیط خود آشنایی بیشتری بدست آورند. در همین ارتباط می توان متون ساده و آموزشی موجود در زمینه مواد مخدر، سیگار، قلیان و مواد اعتیادآور را نیز در اختیار آنان قرار داد و چنانچه نیاز باشد، این کتاب ها را با هم بخوانید. آشنایی دانش آموزان با کتاب و کتابخوانی مستلزم این امر است که در مدرسه نیز به این موضوع به خوبی توجه شود

«پیرو دیگران بودن» به دوره «مستقل بودن» است؛ دوره‌ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می‌یابد. در این مرحله، دیگر والدین نمی‌توانند به او کمک چندانی کنند؛ چه اینکه وی الگوهای خود را در جای دیگری جست‌وجو می‌کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی‌ترین حالات روانی دوره‌های نوجوانی و جوانی است.

نوجوان که دوره کودکی را پشت سر گذاشته است، باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده کند. تحقق این موضوع، پیش از هر چیز، مستلزم یافتن هویت خویش است. اینک او خود را یافته است. اگر بزرگسالان ویژگی‌های این دوره زندگی او را بشناسند و با او برخوردی مناسب داشته باشند، هم نوجوانان به هویت خویش دست می‌یابند و هم بزرگسالان کمتر احساس نگرانی می‌کنند. از این رو، می‌توان گفت: «بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی‌های اولیه زندگی دارد.»

انواع آسیب‌های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده‌اند. هم‌زمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواست‌ها و نیازهای زندگی، موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبه‌کاری، سرگردانی، دزدی، انحراف جنسی و دیگر آسیب‌ها شده است. هر چند اکثر مشکلات اجتماعی انواعی تکراری در طول نسل‌های متفاوت هستند، اما چنان که مشاهده می‌شود، برخی از این انواع در برخی نسل‌ها اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. حتی برخی انواع این آسیب‌ها در نسل‌های بعدی زاده شده‌اند. از سوی دیگر، یک سلسله علل غالب در هر جامعه وجود دارند که نسبت به سایر علل، اهمیت بیشتری در بروز آسیب‌ها دارند، اما عمدتاً هم‌پوشی‌هایی بین آن‌ها دیده می‌شود.

نوجوانی از جمله مهم‌ترین مراحل زندگی آدمی محسوب می‌شود و آخرین مرحله تحول شناختی و گذار از مرحله

سیگار و قلیان آغازی برای یک راه پرخطر

مهبین سبزوستانی

اضطراب، کم‌هوشی، خیال‌پردازی، قدرت‌طلبی، کم‌رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری‌های روانی و...؛

● **عوامل محیطی:** اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و...؛

● **عوامل اجتماعی:** خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی‌کاری، شغل، رسانه‌ها، مهاجرت، جمعیت و...؛

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشند، از این رو نمی‌توان به یکباره فرد بزهدار را علت‌العلل و مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت.

یکی از مشکلات عمده‌ای که نسل جوان جامعه با آن روبه‌روست، خطر اعتیاد و گرایش به مصرف مواد (انواع سیگارها، قرص‌ها، مخدرها و...) است که بین جوانان و نوجوانان رو به افزایش است. اعتیاد و سوء مصرف مواد به مثابه یک مسئله اجتماعی، پدیده‌ای است که همراه با آن توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود از بین می‌رود و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌شود. در جامعه امروز ما، مواد مخدر در سیمای یک مسئله یا مشکل اجتماعی رخ نموده است. این آسیب اجتماعی تعداد زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و به‌طور روزافزونی در حال تعامل با سایر آسیب‌های اجتماعی و تبدیل شدن به یک تهدید بزرگ است.

در حال حاضر جوانان و نوجوانان برای فرار از فشارها، الگوی صحیح و سالمی نمی‌یابند و به راهبردهای ناصحیح چون مصرف سیگار و قلیان روی می‌آورند که این عادت به مرور به اعتیاد می‌انجامد. برخی از جوانان به سیگار به‌عنوان یک منبع آرامش روی می‌آورند و برای گریز از ناآرامی‌های روحی و احساس امنیت سیگار می‌کشند. با چند بار مصرف آن هم شرطی می‌شوند و گمان می‌کنند که واقعاً سیگار یک عامل آرام‌بخش است.

از سوی دیگر، جوانان با اعتقاد به اینکه قلیان بی‌ضرر است و مضرات سیگار را ندارد، به قلیان گرایش پیدا کرده‌اند. در حالی که دود منتشره از قلیان حاوی مقادیر خیلی زیاد مواد سمی است که این مواد سمی سبب بروز سرطان ریه، بیماری‌های قلبی - عروقی و... می‌شود. ضمن اینکه نیکوتین قلیان نیز مانند سایر مواد دخانی، اعتیادآور است. پدیده

گروه هم‌سالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و هم‌سالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می‌شود. از این رو، به شدت از آن گروه تأثیر می‌پذیرد. تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود، یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد، یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه هم‌سالان، هم‌فکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصرأزیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد.

ساترلند، در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود، بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران - یعنی منحرفان و دوستان ناباب - آموخته می‌شود. همان‌گونه که هم‌نوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن گروه و جامعه را می‌پذیرند و خود را با آن انطباق می‌دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهم‌نوایی سوق داده می‌شوند. بنابراین، هر رفتاری که از آدمی سر می‌زند، نشئت گرفته و متأثر از مجموعه‌ای از عوامل است و هرگز نمی‌توان نوجوان و یا جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی دانست و دیگران را بی‌گناه. با این نگاه اساساً زمینه پیدایش جرم از بین می‌رود. از این رو، در پیدایش بزهداری و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه‌ساز مؤثر هستند و فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه است.


در واقع، باید با این نگاه به مجرم نگریست که مجرم یک بیمار است. به تعبیر پرویدو داریل: «بزهدار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد.» (برول و دیگران، ۱۳۷۱).

عواملی که در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب‌زا می‌توانند مؤثر باشند، عبارت‌اند از:

● **عوامل فردی:** جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و...؛

● **عوامل روانی:** حساسیت، نفرت، ترس و وحشت،

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشند، از این رو نمی‌توان به یکباره فرد بزهدار را علت‌العلل و مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت



قلیان که در حال حاضر به یک معضل و آسیب اجتماعی پنهان تبدیل شده، به آن دلیل چهره منفوری به خود نگرفته است که اغلب افراد آن را بی ضرر و غیر قابل اعتیاد می دانند و یا آن را کم ضررتر از مصرف سیگار قلمداد می کنند. کارشناسان معتقدند، هر وعده قلیان برابر مصرف یک پاکت سیگار است و قلیان در هر بار مصرف، دود بسیار زیادتری در مقایسه با کشیدن یک نخ سیگار ایجاد می کند. به صورتی که مصرف یک نخ سیگار، بین ۵۰۰ سی سی تا یک لیتر دود تولید می کند، اما استفاده یک بار از قلیان ۱۰ تا ۲۰ لیتر دود پدید می آورد. یعنی می توان گفت، با مصرف قلیان بیش از ۶۰۰ ماده سمی و مهلک وارد ریه فرد مصرف کننده و اطرافیان او می شود.

مصرف یک وعده قلیان معادل کشیدن یک پاکت سیگار است و بی خطر بودن و تصفیه شدن دود آن در آب محفظه قلیان، شایعه ای خطرناک و عامل اصلی گرایش نسل جوان به این شبه تفریح سرطان زاست.

البته سیگار هم نزد جوانان جایگاه خاص خود را دارد، ولی ارزانی قلیان، امکان استفاده چندنفره و تصور نادرست در مورد بی اساس کم خطرتر بودن قلیان، باعث شده است میزان گرایش جوانان به قلیان بیشتر از سیگار باشد.

آخرین بررسی کمیته مبارزه با استعمال دخانیات «وزارت بهداشت، درمان و علوم پزشکی» نشان می دهد که در حال حاضر تعداد زیادی از جوانان کشور مصرف کننده مستمر قلیان هستند که به دلیل دسترسی آسان به آن، احتمالاً سراغ دیگر مواد دخانی هم خواهند رفت. این آمار از آنجا نگران کننده است که جامعه کنونی ایران، بدون آگاهی از عواقب استفاده از قلیان، از آن به عنوان یک وسیله برای تفریح استفاده می کنند.

منبع
۱. برول، هانری لوی و دیگران (۱۷۲۱). حقوق و جامعه شناسی. ترجمه مصطفی رحیمی و دیگران. سروش. تهران.

چکیده

امروزه توسعه یافتگی جوامع تا حد زیادی مرهون نیروی انسانی سالم، متخصص و جوان در آن جوامع است. اما یکی از عواملی که در امحای نقش نیروی انسانی، به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع، سهم بسزایی داشته و دارد، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است که جوامع بشری از دیرباز تاکنون با آن‌ها روبه‌رو بوده‌اند. می‌دانیم که امیدواری و نشاط در زندگی، شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی، دوست‌داشتن یا نداشتن خود و دیگران، مسئولیت‌پذیری، سلامت و پویایی، موفقیت در تعلیم و تربیت و عزت‌نفس فرزندان و رمزهای موفقیت یک جامعه در گرو سلامت و استحکام خانواده است. به علاوه، تسادوم این‌گونه اعمال در خانه دوم دانش‌آموزان (مدرسه) می‌تواند شکل عملی و عینی به خود بگیرد و این دو کانون

مقدس تربیتی (خانه و مدرسه) هستند که ارکان یک جامعه سالم، پویا و متعالی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و بالنده داشته باشیم، توجه به این دو نهاد ضروری است.

نوع تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت پذیرفت. تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز عمدتاً با شیوه تحلیل کیفی انجام شد.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، مدرسه، جامعه، انحرافات اجتماعی، جامعه متعالی

راهکارهای تقویت نقش مدرسه و جامعه در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

طالب ابراهیمی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی مرکز دیر، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل
 عبدالله عادل‌زاد، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی کنگان، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



مقدمه

نیروی انسانی و به خصوص جمعیت جوان، یکی از جلوه‌های قدرت و توانمندی هر کشور به حساب می‌آید. در واقع، جوانان (دانش‌آموزان) در راهبرد رشد و توسعه و در چشم‌انداز هر جامعه، عاملی تعیین‌کننده و جزو سرمایه ملی به‌شمار می‌آیند که در حفظ سلامتی آنان باید تلاش‌های لازم صورت بگیرد. معمولاً بحرانی‌ترین و آسیب‌پذیرترین دوره زندگی هر فرد، دورانی است که از آن به‌عنوان دوران جوانی یاد می‌کنند. مشاهده اعمال و رفتار کجروانه و غیرمنطقی توسط برخی از جوانان مبین این واقعیت است که در جوانان، گاه رفتار انحرافی و گرایش به آن، به‌عنوان مقدمه رفتار بزهکارانه وجود دارد. رفتار بزهکارانه جوانان شاید از نظر افکار عمومی و فرهنگ حاکم بر جامعه قابل اغماض و پیش‌پا افتاده تلقی شود و آن‌ها را ویژگی خاص دوره جوانی بدانند، اما واقعیت این است که رفتار انحرافی هر چند ملایم و جزئی و کم باشد، فرد مرتکب خود را ناخودآگاه در مسیری قرار می‌دهد که احتمال تداوم، اشاعه و گسترش آن و همچنین تبدیل آن به انحرافات شدید و مجرمانه بسیار زیاد است. بنابراین، رفتار انحرافی و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان باید به‌عنوان مشکلی که قشر وسیعی از جمعیت جوان ما را فرا می‌گیرد، مدنظر قرار گیرد و به تقویت نقش مدرسه و جامعه در پیشگیری از این آسیب‌ها توجه شایانی کرد.

هدف این پژوهش تبیین راهکارهای تقویت نقش مدرسه و جامعه در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است و این سؤال مطرح می‌شود که: «مدرسه و جامعه چه نقشی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارند؟» در پاسخ به سؤال مزبور این فرضیه مطرح است که: نهادهای فوق به‌عنوان یک مرجع مکمل در پیشبرد ارزش‌های فردی و اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارند.

مبانی نظری تحقیق

مطالعاتی که درباره پدیده‌های اجتماعی از جمله آسیب‌های اجتماعی صورت گرفته‌اند، نشان می‌دهند که چون این آسیب‌ها تحت تأثیر عوامل متعددی هستند که هر کدام با درجه و شدت معینی در ایجاد آن‌ها سهیم‌اند، نمی‌توان آن‌ها را به یک یا چند علت واحد نسبت داد. در دهه‌های اخیر برای رفع این مشکل از دیدگاه‌های متشکل از دیدگاه‌های ترکیبی استفاده کرده‌اند (شومیکر، ۱۹۹۰: ۳۰۴ - ۳۰۳)

«نظریه کنترل اجتماعی» بر این پیش‌فرض استوار است که رفتار بزهکارانه (آسیب‌های اجتماعی) متعلق به همه طبقات است، جنبه عمومی و جهان‌شمول دارد، و نتیجه کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی است. عوامل اجتماعی به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه وابسته‌اند. تعلقات غالباً با روش‌های گوناگونی اندازه‌گیری می‌شوند، اما به‌طور مشخص

مدرسه به‌عنوان جایگاهی که وظیفه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان را در ساعاتی از شبانه‌روز بر عهده دارد مهم‌ترین مکانی است که می‌تواند بر جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد

تحت عنوان‌های «عاطفی» (مانند میزان تأثیر و تأثر بین فرزند و والدین) و «رفتاری» (نظیر وضعیت تحصیلی فرد در مدرسه) مطرح می‌شوند. پیش‌فرض دیگر نظریه کنترل اجتماعی این است که وفاقی کلی در مورد هنجارها، ارزش‌ها و باورهای رایج در جامعه وجود دارد و کنترل اجتماعی بر مبنای این وفای اجتماعی انجام می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۳۹).

نقش نهادهای اجتماعی (مدرسه و جامعه) در تربیت دانش‌آموزان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

الف) مدرسه

- مدرسه به‌عنوان جایگاهی که وظیفه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان را در ساعاتی از شبانه‌روز بر عهده دارد، مهم‌ترین مکانی است که می‌تواند بر جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد. بی‌تردید مدرسه می‌تواند نقش مهمی در راهبردهایی داشته باشد که در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی برنامه‌ریزی شده‌اند. در اینجا چند راهکار را ذکر می‌کنیم:
- پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، باید روی بهبود کیفیت مدارس متمرکز شوند تا بتوانند در جلوگیری از آسیب، مشارکت بیشتری داشته باشند. کوشش‌هایی که برای جلوگیری از جرم و بزهکاری صورت می‌گیرند، باید وضعیت مدرسه‌ها را تغییر دهند و پیوند بین مدرسه و تک‌تک دانش‌آموزان را مستحکم سازند تا روابط اجتماعی منفی جای خود را به روابط اجتماعی مثبت بدهند.
 - برقراری احترام متقابل بین اولیای مدرسه و دانش‌آموزان، به شکل‌گیری فضای معنوی و صمیمی همراه با قاطعیت و سختگیری در مورد معیارها، ارزش‌ها و مقررات از پیش بیان شده کمک می‌کند.
 - جلوگیری از برخورد‌های خشک و سرزنش‌آمیز در میان دانش‌آموزان می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌ها مؤثر باشد.
 - تلاش و اهتمام دبیران و مربیان پرورشی در درونی‌ساختن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و دینی در دانش‌آموزان، به‌نحوی که الگوی مناسبی برای دانش‌آموزان باشند، به هم‌نوازی دانش‌آموزان با هنجارهای اجتماعی و در نتیجه، ایجاد رفتارهای بهنجار در آن‌ها کمک می‌کند (شیخاوندی، ۱۳۷۷).
 - هسته‌های مشاوره قوی در آموزش و پرورش و مشاورین دلسوز

۳. نیازهای خانواده‌های فقیر و محروم، از طریق نهادهای حمایتی، مانند کمیته امداد حضرت امام (ره) و بهزیستی، و اعطای وام خودکفایی و خوداشتغالی.

۴. تلاش برای بالا رفتن سطح آگاهی خانواده‌ها و کاهش بی‌سوادی در اقشار مختلف جامعه.

۵. آموزش مسائل اخلاقی، دینی و عقیدتی و آشنا ساختن افراد با وظایف و حقوق شهروندی خود از طریق رسانه‌های جمعی.

۶. گسترش برنامه‌ریزی برای جلوگیری از انحلال خانواده‌ها و بروز طلاق و سلب حضانت از والدین فاقد صلاحیت تربیت فرزندان.

۷. اطلاع‌رسانی شفاف رسانه‌های جمعی برای تشویق جوانان در زمینه تسهیلات و فرصت‌هایی که جامعه برای آنان قرار داده است؛

۸. توانمندسازی آشنا ساختن نیروهای انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان.

۹. تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی، از جمله امر به معروف و نهی از منکر، برای پاک‌سازی فضای جامعه.

۱۰. برنامه‌ریزی اصولی و صحیح برای ایجاد اشتغال در جامعه، و پیگیری منطقی نیازهای جوانان.

۱۱. جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به اشتغال‌های کاذب.

۱۲. گسترش مراکز آموزشی، تفریحی، مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان.

۱۳. ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان، از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...

۱۴. ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بی‌کاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...

پرورش و مشاوره قوی در آموزش و آموزشی می‌توانند با ایجاد ارتباط عاطفی و توأم با رازداری در تربیت اجتماعی و هم‌نوا کردن دانش‌آموزان نابهنجار با ارزش‌های جامعه نقش شایانی داشته باشند

درون مراکز آموزشی می‌توانند با ایجاد ارتباط عاطفی و توأم با رازداری در تربیت اجتماعی، در هم‌نوا کردن دانش‌آموزان نابهنجار با ارزش‌های جامعه نقش شایانی داشته باشند.

● برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان لازم است راه‌هایی تدوین کرد.

● در برنامه‌ریزی درسی باید به مهارت‌های اجتماعی توجه شود.

● نشان دادن تأثیرات مخرب دوستان نامناسب و چگونگی قطع ارتباط با آنان در کاهش آسیب‌های اجتماعی بسیار مؤثر است (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

● دانش‌آموزان به آموزش مهارت‌های زندگی نظیر دوست‌یابی و خودشناسی و کشف خود در محتوای آموزشی نیاز دارند.

● لازم است به دانش‌آموزان از طریق دادن مسئولیت و استفاده از دیدگاه‌های آنان در مدرسه اجازه ابراز وجود داد.

● تقویت عزت‌نفس و احترام دانش‌آموزان توسط معلم راهکار بسیار مؤثری است (البته قبل از آن باید تقویت احترام به سایرین و به معلم توسط دانش‌آموزان انجام شود).

● معلم باید به تقویت ارزش‌های دینی در دانش‌آموزان اهتمام ورزد.

ب) جامعه

نهادهای دولتی و اجتماعی موظف به اتخاذ تدابیری برای جلوگیری و یا پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان هستند. مهم‌ترین پیشنهادات در این حوزه عبارت‌اند از:

۱. کمک به جوانان بزهکار از طریق معالجه گروهی، مشاوره و مددکاری اجتماعی. زیرا تأییدات گروهی و آسیب‌های اجتماعی با هم رابطه دارند، و گروه‌های هم‌سال در بروز آسیب‌های اجتماعی با فعالانه عمل می‌کنند، به نحوی که جوانانی که رفتار بزهکارانه دارند، اوقات فراغت خود را بیشتر با دوستانشان می‌گذرانند و مشکلات شخصی خود را با آنان در میان می‌گذارند و از ایشان تأیید می‌طلبند.

۲. فراهم آوردن امکان تفریح سالم و خدمات تفریحی، برای تخلیه مثبت انرژی انباشته شده نیروی جوانی آن‌ها.

نتیجه‌گیری

امیدواری و نشاط در زندگی، شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی، دوست داشتن یا نداشتن خود و دیگران، مسئولیت‌پذیری، سلامت و پویایی، موفقیت در تعلیم و تربیت و عزت نفس فرزندان، و موفقیت یک جامعه در گرو سلامت و استحکام خانواده، و در ادامه در گرو سلامت خانه دوم دانش‌آموزان (مدرسه) است. خانه و مدرسه دو کانون مقدس تربیتی هستند که اگر یک جامعه سالم، پویا و متعالی را تشکیل می‌دهند. اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و بالنده داشته باشیم، توجه به این دو نهاد ضروری است. زیرا در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جلوگیری از بروز و شیوع این آسیب‌ها در جامعه، نقش حیاتی دارند. در طوفان جوانی و دوره پر تلاطم عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات، همکاری این دو نهاد مقدس می‌تواند عناصر کلیدی جامعه، یعنی نوجوانان و جوانان را از گرداب انواع آسیب‌های اجتماعی نجات دهد و به سر منزل مقصود برساند.

منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظر به‌های انحراف اجتماعی. انتشارات زر. شیراز.
 ۲. ----- (۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان و دبیرستان‌های نظام قدیم و جدید شهر شیراز».
 ۳. شیخاوندی، داور (۱۳۷۷). «نقش نهاد آموزش و پرورش در جامعه». مجله تربیت. سال چهاردهم. شماره ۱.
4. shoemaker, Donald. J (1990), theories of Delinquency (2th Ed), New York: oxford University press.